پنجشنبه ۲۸ قوس ۱۳۶۴
Dec. 19, 1985
سال ششم شماره ۹۲
شماره مسلسل ۱۳۰۶
سال تاسیس ۱۳۵۹

حقیقت انقلاب ثور



ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در صف مقدم پیکار

اعضای حزب ما همانسان که رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا. در پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. تصریح نمود: هیچگونه امتیازی به جز قرار گرفتن در صفوف نخستین مبارزان شجاع بخاطر دفاع از انقلاب، منافع خلق، سعادت و شگوفایی میهن ندارند. زیرا آنان اجرا کنندگان عظیم ترین تحولات بنیادی در تاریخ کهنسال کشور هستند. تحولاتی که نه بخودی خود بلکه آگاهانه و بروفق قوانین تکامل اجتماعی و بر بنیاد برنامه علماً تنظیم شده حزب ما که توسط اعضای رزمنده و متعهد آن، عملی میگردد.

قرار گرفتن در صف مقدم پیکار به این معنا ست که اعضای حزب ما با قبول مسوولیت بیشتر و کار بیشتر کمتر در پی گرفتن امتیاز هستند. آنان در هر جایی که هستند هر نوع پیشه و حرفه ای که دارند خواه کارگر باشند یا مامور و یا معلم و یا سربازاند و یا افسر، انجنیراند و یا داکتر، این وظیفه را دارند که مطابق به مطالبات کمیته مرکزی حزب و نورم های حیات حزبی با روحیه عالی و فداکاری و احساس عالی مسوولیت در هر لحظه آماده آن باشند که در راه تحقق آرمان های انقلابی زحمتکشان که در برنامه عمل حزب ما تسجیل گردیده، مبارزه نمایند.

آنان در عرصهٔ تولیدی و وظایف دولتی، در امر ارتقای تولید و اجرای وظایف اجتماعی در حراست از ملکیت عامه و جلوگیری از حیف و میل و اسراف سرمشق و نمونه باشند. صمیمی بودن، متواضع بودن و ارج نهادن بخواست و منافع مردم، انعکاس آرمان حزب در گفتار و کردار شخصی عضو حزب در مجموع مثال از قرار گرفتن وی در صف مقدم کار و مبارزه است. سهمگیری فعال در حراست از آزادی و منافع زحمتکشان کشور، در اعمار جامعه نوین و عادلانه فردی، در دگرگونی های بنیادی اجتماعی و اقتصادی نشانه ای از اجرای وظایف سترگی است که حزب از همه اعضای خویش میطلبد.

برخورد نوین نسبت به وضع موجود و وظایف سترگی را در برابر هر عضو حزب قرار داده است. نفوذ بین توده های مردم و کسب صادقانه اعتماد آنان که تنها با تواضع و فروتنی میسر شده میتواند.

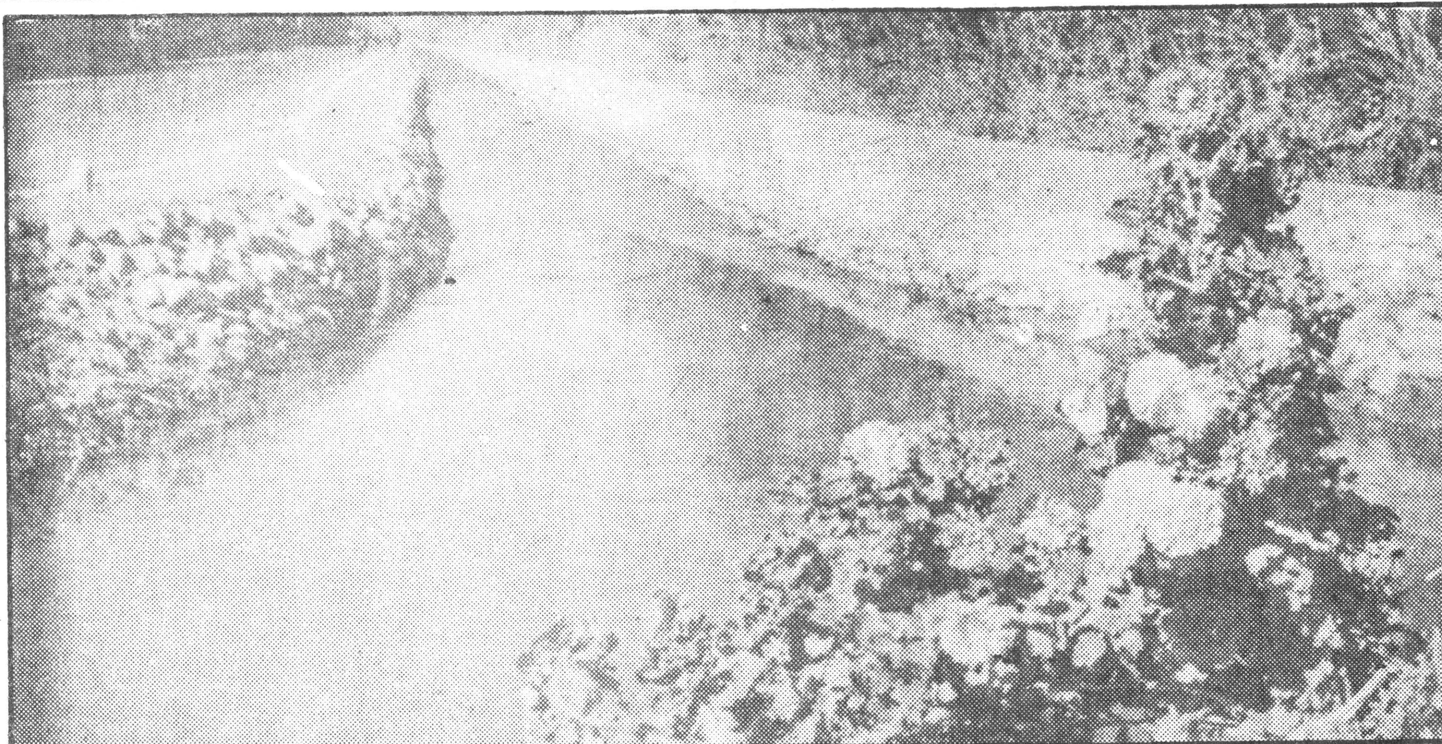
حرکت به پیش بسوی ترقی اجتماعی و بهبود وضع در کشور از همه اعضای حزب، از «رهبران تا صفوف» میطلبد که برخورد خود را با توده ها تغییر دهند. با مظاهر و شیوه های نادرست کار که به اعتبار حزب در جامعه لطمه وارد مینماید با لافزدن و حرافی، نداشتن احساس مسوولیت، دورویی، محفل بازی و مظاهر فرکسیونیزم و مقام پرستی و سایر پدیده های منفی باید وداع گفت. این حکم زمان است. «حساسیت و اهمیت حیاتی وضع کنونی» چنین میطلبد که آنچه را میتوان امروز انجام داد نباید به فردا گذاشت. مبارزه برای خوشبختی مردم، این امر مقدس برای ما مستلزم تلاش پیگیر و فداکارانه هر روز است. اعضای حزب ما که برای دست یافتن به قله های پیروزی قهرمانانه و فداکارانه پیکار مینمایند حق ندارند که حتی یک لحظه هم فارغ از اندیشه مردم و بهبود وضع موجود در کشور باشند.

اعضای حزب ما در این پیکار عظیم و سترگ باید ویژه گی های لازم روحی و اخلاقی را چون داشتن حس انسان دوستی، فروتنی، گوشنده گی و عشق به وظیفه، تحمل و پایداری، روح پیکارجویی، عشق به حقیقت، صداقت و راستی، فهم امور، آگاهی لازم از تیوری علمی انقلابی و قدرت انطباق آن در شرایط مشخص جامعه در خود پرورش و در عمل خویش متبارز سازند. انقلابیون واقعی هیچگاه فراموش نمی کنند که مردم به دست ها مینگرند که چه میکنند، نه به لب ها که چه میگویند.

بیروی سیاسی و کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. از همه اعضای حزب می طلبد تا با تغییر شیوه شکل و سبک کار دیروز که به درد امروز نمی خورد با توجه و بصورت جدی با عشق سوزان انقلابی، با قهرمانی و دلیری، با نمونه بودن و در صف نخست قرار گرفتن در امر تحکیم و توسعه پایه های اجتماعی حاکمیت انقلابی و تامین صلح سراسری و عادی شدن هرچه سریع تر وضع در کشور انقلابی ما با ایثارکاری و پیکار نمود.

بیستمین سالگرد تاسیس پروژهٔ آبیاری جلال آباد

ثمرهٔ دوستی و همکاری



مجتمع بزرگ آبیاری ننگرهار که به کمک و مساعدت کشور دوست اتحاد شوروی اعمار گردیده است، سطح تولیدات زراعتی را در فارمهای دولتی ننگرهار بصورت قابل ملاحظهٔ افزایش بخشیده است.

عکاسی هیواد

تجلیل باشکوه

از بیستمین سالگرد آغاز بهره برداری مجتمع آبیاری جلال آباد پریروز ضمن محفل شاندار ی که در تالار سینمای فارم غازی آباد ترتیب شده بود تجلیل بعمل آمد.

درین محفل بعضی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، معاون کمیسیون همکاری اقتصادی و تخنیکی اتحاد شوروی و افغانستان

(ص ۳)

آغاز انتخابات

بتاسی از فرمان هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان امروز ۵شنبه ۲۸ قوس سال ۱۳٦٤ انتخابات نمایندگان مردم در جرگه های محلی در ولایت جوزجان آغاز می یابد.

اولین جلسه کمیسیون انتخاباتی ولایت جوزجان دیروز بریاست رئیس کمیسیون انتخاباتی ولایت جوزجان دایر شد.

در جلسه بعد از آنکه متن فرمان هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان قرائت شد ابلاغیه کمیسیون انتخاباتی ولایت جوزجان مبنی برآغاز انتخابات نمایندگان مردم در جرگه های محلی درولایت جوزجان که امروز به اشتراک مردم زحمتکش این ولایت در حوزه های انتخاباتی صورت میگیرد به تصویب رسید.

باختر

بزرگترین مجتمع زراعتی

مجتمع آبیاری جلال آباد یکی از پروژه های مهم سکتور دولتی زراعت است که در اقتصاد ملی افغانستان نقش مهم و عمده دارد.

وادی ننگرهار یگانه منطقه سوبتروپیکی است که برای احداث باغات ستروس وزیتون مساعد میباشد، در زراعت که بخش عمده اقتصاد ملی کشور را تشکیل میدهد، ضرور یست تا سازماندهی سالم و منظم در تمام ساحات تولید زراعتی در واحدهای اولیه تولیدی و سطوح بلندتر آن وجود داشته باشد. بتاسی از این اصل در مجتمع آبیاری جلال آباد تمام امور بخصوص امور مربوطه تولیدات زراعتی بشکل پلانیزه پیش برد میشود.

درساحه زراعت در جمهوری دموکراتیک افغانستان به نسبت اقلیم متفاوت در نقاط مختلف کشور شرایط کاردر هر یک از مناطق فرق میکند. بنا بر موجودیت مناطق کوهستانی، دشتهای خشک و سوزان، کمبود آب و عدم استفاده لازم از وسایل میکانیزه زراعتی و موجودیت مناسبات فرتوت فیودالی در گذشته رشد تولیدات زراعتی را به مشکلات مواجه ساخته بود.

در حدود (۹۰) فیصد نفوس کشور در این ساحه مشغول اند. ارقام احصائیوی بیانگر آنست که در حدود (۳۷٫۹) ملیون هکتار زمین مساعد به زراعت در کشور موجود می باشد. ساحه مجموعی قابل بذر کشور در حدود (۸) ملیون هکتار میباشد که از آنجمله سالانه صرف (۳٫۹) ملیون هکتار و منجمله (۲٫٦) ملیون هکتار للمی تحت کشت قرار می گیرد.

(ص ۳)

پیام امتنانیه

به جواب پیام تبریکیه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ورفیق سلطانعلی کشتمند رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان بمناسبت شصت و هشتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر، پیام امتنانیه از طرف کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی، هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به این شرح بکابل مواصلت کرده است:

رفیق ببرک کارمل
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

رفیق سلطانعلی کشتمند
رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان!

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و شورای وزیران اتحاد شوروی از تبریکات گرم و تمنیات نیک بمناسبت شصت و هشتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر مراتب تشکرات وسپاس گزاری خویش را از صمیم قلب اظهار میدارند.

ما دراین اطمینان شما که مناسبات دوستی، همبستگی انقلابی، همکاری های متساوی الحقوق و همه جانبه میان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری دموکراتیک افغانستان کاملاً پاسخگوی منافع خلق های کشور های ما میباشد و بمثابه ضامن مطمین تامین صلح وثبات در منطقه و در سراسر جهان عمل میکند، شریک هستیم.

با استفاده از این فرصت موفقیت های مزید مردم دوست افغانستان، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و شخص شما رفقای گرامی را در امر دفاع و استحکام دست آورد های انقلاب ثور، رشد مزید اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تان و اعمار جامعه نوین آزاد و عادلانه به نفع زحمتکشان افغانستان انقلابی آرزو مندیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

مسکو، کریملین ۱٦ دسامبر سال ۱۹۸۵

ایجاد شورای دهقانی

بخاطر سهمگیری دهقانان در تطبیق اصلاحات دموکراتیک ارضی اخیراً شورای دهقانان قریه علی آباد مربوط علاقه داری فیض آباد ولسوالی آقچه طی مراسمی ایجاد شد. در مراسم سلطان محمد و مرتضی قل دو تن از دهقانان با تجربه آن قریه به صفت رئیس و معاون و هفت نفر دیگر به صفت اعضای آن شورا انتخاب شدند.

باختر

بازگشت از امتداد یک عبور

او چریک یک سرباز انقلاب



شبی سرد و مه آلود است. قریه جویباران در سکوت غمین نفس میکشد. آب در نشیب جویچه ها با صدای حزین فرو می لغزد و برگهای پائیزی چون آخرین لحظه های عمر یک مرد سالخورده ورنجور از قامت درختان جدا میشوند. خانه ها در تاریکی شب از دامن کوهستان چنان می نمایند که گویی مکان هیچ زنده جانی نبوده اند وفقط دست تصادف آنهارا کنار هم نهاده است.

شبحی بار سبک بردوش از کوچه ها میگذرد. دراین

(ص ۵)

اشتراک در جلسه فعالین حزبی

رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از ظهر دیروز در جلسه فعالین حزبی پوهنتون اشتراک ورزید.

جلسه فعالین حزبی پوهنتون به اشتراک سربازان، محصلین، افسران واستادان آن پوهنتون پیرامون تصامیم و فیصله های پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تیزس های دهگانه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در ادیتوریم آن پوهنتون تدویر یافت. در آغاز رفیق تورن جنرال میر طهماس روف قوماندان حربی پوهنتون در باره وظایف سپرده شده در پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب، تیزس های رفیق ببرک کارمل و اعلامیه اخیر شورای انقلابی بیانیه مفصل ایراد ودر امر تحقق و بسر رسانیدن آن به نمایندگی از منسوبین حربی

(ص ۲)

اشتراک درجلسه فعالین حزبی

(بقیه ص اول)

پوهنتون ابراز آمادگی نمود.

سپس چند تن از اشتراک کنندگان جلسه با ایراد بیانیه های تائیدی پیرامون گزارش اساسی تعهد سپردند تا در امر انجام وظایف از هیچگونه فداکاری واز خودگذری دریغ نه ورزند.

بعداً رفیق سلطانعلی کشتمند کار جلسه را مورد ارزیابی قرار داده نقایص و کمبودی هارادر عرصه‌های کاربرشمرده ومسوولین را بیش‌از پیش به انجام وظایف محوله متوجه ساخته افزود:

قوماندانی حربی‌پوهنتون و آمریت سیاسی آن مطابق به خواست پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بایست در زمینهٔ ارتقای روحیه عالی فداکاری و تقویه مورال سیاسی و رزمی محصلین که به مثابه افسران آینده قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشند توجه جدی بعمل آورند.

رفیق سلطانعلی کشتمند گفت: درین کانون علمی و سیاسی باید چنان افسران وطن پرست، پر شوروانقلابی تربیت شوند تا آنان در راه حفظ و حراست از انقلاب و دفاع از وطن و مردم خویش وخنثی نمودن پلان های خصمانه ضد انقلاب و نیرو های امپریالیستی باشهامت و قهرمانی از ریختن آخرین قطره های خون خویش‌دریغ نورزند.

رئیس شورای وزیران افزود: پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظایف بس بزرگ را به عهده قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان که بمثابه مدافع مطمین دستاورد های انقلاب ملی‌ودموکراتیک ثورمیباشد، گذاشته است که عبارت است از مبارزه جدی و پیگیر جهت عادی ساختن اوضاع در کشور و توسعه پایه های اجتماعی انقلاب. به منظور تحقق این امر، تربیت کادر های مجرب سیاسی ونظامی نقش عمده را دارا میباشد.

رفیق سلطانعلی کشتمند از سهمگیری فعال منسوبین حربی پوهنتون که در امر دفاع از دستاورد های انقلاب و تامین آرامش در بعضی‌از محلات و انجام وظایف‌سپرده شده، ازخود قهرمانی نشان داده‌اند با قدردانی یاد کرده علاوه نمود، در اثر همین فعالیت های رزمنده و موثر بود که حربی پوهنتون مفتخر به دریافت نشان‌درفش سرخ از جانب شورای‌انقلابی جمهوری دموکراتیک‌افغانستان گردیده است.

رفیق سلطانعلی کشتمند‌در اخیر بر وظایف بزرگ منسوبین حربی پوهنتون یکبار دیگر تاکید نموده و دراین امر بزرگ موفقیت برایشان آرزو نمود.

جلسه با صدور قطعنامه خاتمه یافت.

باختر

ملاقات دوستانه

رفیق سلیمان لایق عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وزیر امور اقوام و قبایل قبل از ظهر پریروز در دفتر کارش با هیات انجمن دوستی انگلستان - افغانستان‌ملاقات بعمل آورده، روی‌موضوعات مورد علاقه صحبت نمودند.

هیات‌انجمن دوستی‌انگلستان- افغانستان تحت ریاست رون براون عضو پارلمان انگلستان و عضو هیات رئیسه انجمن دوستی انگلستان - افغانستان بدعوت سازمان صلح، همبستگی ودوستی جمهوری دموکراتیک افغانستان به تاریخ ۲۵ قوس وارد کابل شده است.

باختر

توضیح واقعیت های انقلاب

عبدالرحیم هاتف رئیس شورای مرکزی جبهه ملی‌پدر وطن جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ظهرپریروز در دفتر کارش با هیأت انجمن‌دوستی‌انگلستان-افغانستان ملاقات نمود.

طی این ملاقات که‌در فضای دوستانه صورت گرفت‌هیأت در باره فعالیت های انجمن دوستی انگلستان -افغانستان در رابطه به معرفی انقلاب افغانستان و اهداف انسانی‌آن و تنویر اذهان مردم‌انگلستان درباره واقعیت های انقلاب افغانستان توضیحات داد.

هیأت انجمن دوستی انگلستان - افغانستان که تحت‌ریاست رون براون عضو پارلمان‌انگلستان وعضوهیات رئیسه انجمن دوستی انگلستان - افغانستان بدعوت سازمان صلح، همبستگی‌و دوستی جمهوری دموکراتیک افغانستان وارد کابل شده است دیروز از بخش های مختلف فابریکهٔ نساجی بگرامی و کوپراتیف زراعتی قلعهٔ احمد خان و لسوالی بگرامی دیدن نمود.

طی این بازدید موظفین مربوط درباره تسهیلاتی که حزب ودولت انقلابی ما بخاطر بهبود زندگی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان کشور فراهم نموده است توضیحات ارایه نموده‌و به سوالات مهمانان جواب گفتند.

باختر

عقد پروتوکول

هیأت عالی رتبه‌جمهوری دموکراتیک آلمان تحت ریاست پروفیسور دکتور زیگفرید شوانکه معاون وزیر تحصیلات عالی وتخنیکی جمهوری دموکراتیک آلمان که اخیراً بنابر دعوت وزارت تحصیلات عالی و مسلکی جمهوری دموکراتیک افغانستان وارد کابل گردیده است، بعداز ظهر دیروز بارفیق برهان غیاثی وزیر تحصیلات عالی و مسلکی جمهوری دموکراتیک افغانستان صحبت نمود. همچنان دیروز پروتوکول همکاری علمی و فرهنگی بین وزارت‌تحصیلات عالی و مسلکی جمهوری دموکراتیک افغانستان وجمهوری دموکراتیک آلمان در کابل عقد گردید.

هنگام امضای پروتوکول رفیق برهان غیاثی وکوکروگر سفیر کبیر جمهوری دموکراتیک آلمان نیز حاضربودند.

همچنان هیأت جمهوری دموکراتیک آلمان قبل از ظهردیروز ازپوهنتون کابل، انستیتوت پولی تخنیک‌ولیسه میخانیکی کابل بازدید نمود.

باختر

افشای تبلیغات خصمانه علیه ج.د.ا.

درجریان کنفرانس مطبوعاتی جعلیات افکار محافل مرتجع غرب برملا گردید

وارونه جلوه دادن‌واقعیت ها در افغانستان انقلابی پیوسته تم تبلیغات‌خصمانه غرب بخصوص ایالات‌متحده امریکاست. تا کنون افسانه های زیادی در باره وضع در افغانستان انقلابی‌طراحی شده منجمله وضع حقوق بشر، استعمال سلاح کیمیاوی، اشغال افغانستان و غیره که هیچ کدام واقعیتی نداشته ومورد قبول افکار عامه قرارنگرفته است. اینبار صحنه سازی ها و جعلیات برای‌دراماتیک جلوه دادن وضع صحت عامه درجمهوری دموکراتیک افغانستان تحت سازماندهی مستقیم سی.آی.ای و حلقات‌سیاسی امریکا از جمله اعضای کنگره امریکا هدف تبلیغات قرارگرفته است. بخاطر افشای انگیزه، مقاصد و ماهیت اصلی این سمت جدید تبلیغات خصمانه امپریالیزم علیه وطن انقلابی و مردم ما پریروز کنفرانس مطبوعاتی در تالار وزارت صحت عامه ج.د.ا. از طرف آژانس اطلاعاتی باختر به همکاری‌وزارت صحت عامه ج.د.ا. دایرگردید. درین کنفرانس مطبوعاتی مسوولین وزارت صحت عامه، ژورنالیستان‌داخلی وخارجی و عده یی ازدکتوران ج.د.ا. اشتراک داشتند.

در آغاز پس از توضیحات رئیس کمیته دولتی آژانس اطلاعاتی باختر، وزیر صحت عامه ج.د.ا. به‌پرسش های ژورنالیستان پاسخ گفت که بخش هایی از آنرا به‌نشر میرسانیم.

پرسش خبر نگار ح.ا.ث: لطفا در باره پالیسی ح.د.خ.ا. و دولت ج.د.ا. در باره وضع صحت عامه پس ازانقلاب ثور توضیحات ارائه کنید؟

پاسخ وزیر صحت عامه: تامین صحت و سلامت انسان هدف عمده خدمات اجتماعی در کشور ما است که ح.د.خ.ا. و دولت ج.د.ا در تمام برنامه های کار خود به آن توجه جدی داشته و پیوسته‌باقدامات عملی درین زمینه دستآورد هایی نیز دارد که هدف ازآن عرضه خدمات رایگان‌صحی برای همه هموطنان‌درسرتاسر کشور میباشد.

طی سالهای انقلاب‌برغم مشکلات عظیمی که از ناحیه جنگ اعلام ناشده ارتجاع وامپریالیزم بر کشور ما تحمیل گردیده دستآورد هاو فعالیت های خدمات صحی درکشور چندین بار بیشتر وبا کیفیت بهتر از سالهای پیش است.

دولت ج.د.ا. علما و عملا قوت ها و منابع خود را طوری بسیج نموده که کار صحت همگانی به شکل مطلوب آن در خدمت همه مردم در سرتاسر کشور قرار داشته باشد. مشی حزب ودولت انقلابی ما در این عرصه در برنامه عمل ح.د.خ.ا. و اصول اساسی ج.د.ا. و سایر اسناد معتبر حزبی و دولتی مسجل است و مطابق به آن عملکرد های‌لازم صورت گرفته‌است بر مبنای این اصل، عرضه خدمات صحی نه در خدمت اقلیت، بلکه در خدمت همه هموطنان بوده و توازن عادلانه درین زمینه تامین گردیده است.

فیصله ها و مصوبه های اخیر بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب وشورای وزیران ج.د.ا. مبنی برارایگان شدن خدمات صحی در سرتاسر کشور توسعه وگسترش مراکز صحی گواه خوبی در این عرصه است.

پرسش خبر نگار باختر: عمده ترین دستآورد ها در عرصه خدمات صحی بعد از انقلاب ثور کدام ها است؟

پاسخ وزیر صحت عامه: تامین خدمات سنیتری اپیدیمولوژی که در مبارزه با امراض مختلف ساری که پروبلم عمده صحی در کشور ماست، دستآورد با اهمیت است، اکنون به‌تعداد پانزده مرکز آن در سرتاسر کشور فعالیت می نماید وازخدمات آن همه هموطنان ازطریق کنترول مواد غذایی و آب وواکسیناسیون مستفید میگردند. در اثر فعالیت‌این بخش امراض‌ساری در سال ۶۳ نظر به سال ۶۲ چهل فیصد کاهش یافته است.

تاسیس شفاخانه اطفال، ایجاد استیشن خدمات عاجل صحی، ایجاد کلینیک مرکزی دولتی به همکاری کشور دوست اتحاد شوروی، توسعه خدمات پولکلینیکی تاسیس مراکز صحی در فابریک ها ومکاتب، توسعه حمایه‌طفل ومادر از جمله دستآورد های ماست. همچنان بمقایسه سال ۱۳۵۷ در تعداد بستر شفاخانه ها ۵۱ فیصد در تعداد دواخانه های دولتی ۱۴۴ فیصد، در تورید ادویه ریاست امور فارمسی ۱۲۲ فیصد، در تولید ادویه ۴۹ فیصد و در بودجه صحت عامه ۶۷ فیصدافزایش بعمل آمده است.

پرسش خبر نگاردهقان: چه تدابیری در زمینه‌تربیه پرسونل طبی در ج.د.ا.اتخاذ گردیده است؟

پاسخ وزیر صحت عامه: درجهت تربیه کادر های طبی ایجاد انستیتوت دولتی طب کابل است که دارای فاکولته های طب‌معالجوی، اطفال استوماتولوژی و طب ننگرهار میباشد.اکنون ۳۰۰۰ محصل در آن درس‌می خواند. همچنان انستیتوت تعلیمات متوسط طبی رو به انکشاف است که حجم پذیرش محصلان در آن‌دونیم برابر افزایش خواهد یافت. باید گفت که نظر به سال ۱۳۵۷ در تعداد دوکتوران تا کنون ۷۸ فیصد درتعداد فارمسیست ها ۱۵۱ فیصد افزایش بعمل آمده است که در سال آینده افزایش بیشتر از این پلان گردیده است.

پرسش خبر نگار پامیر: درنتیجه جنگ اعلام‌ناشده ارتجاع وامپریالیزم علیه کشور ما چه پروبلم های صحی ایجاد گردیده است؟

پاسخ وزیر صحت عامه: در اثر این جنگ اعلام ناشده ۱۳ مرکز صحی و شفاخانه کاملا یا قسما تخریب گردیده است‌همچنان به ارزش ملیونها افغانی ادویه و سامان آلات طبی وو سایط ترانسپورتی توسط عناصر ضد انقلاب تلف گردیده یا به غارت برده شده است. به اثر استعمال مواد کیمیاوی وپخش مواد مخدره و بکاربردسلاح های مختلف النوع صدها هموطن ما به امراض ومعیوبیت های فزیکی و روانی مبتلا گردیده اند.

پرسش نماینده‌چی.تی.کا: لطفا از پلان های آینده ج.د.ا. برای بهبود خدمات صحی چیزی بگویید.

پاسخ وزیر صحت عامه: در پلان های رشد اقتصادی واجتماعی دولت ج.د.ا. رشد و توسعه عرضه خدمات صحی مورد توجه خاص قرار دارد. که با اعمار شفاخانه ها، پولیکلنیک ها،مراکزصحی اساسی و فرعی، مراکز استیشن های سینتری اپیدمولوژی و تربیه کادر های مسلکی طبی خدمات صحی رشد همه جانبه می نماید. در پلان ۶۵-۶۹ رشد ۲ر۷ مرتبه در سکتور صحت عامه پیش‌بینی شده است.

پرسش‌خبرنگار تلویزیون: همکاری های بین المللی‌با ج.د.ا. در ساحه صحت عامه چگونه است؟

پاسخ وزیر صحت‌عامه: در پروسه رشد وتوسعه عرضه خدمات صحی کمک های ارزشمند کشور دوست اتحادشوروی، سایر کشور های دوست سوسیالیستی و کشور هند جای برجسته را دارا است.

همچنان کمک های سایر سازمانهای صحی جهانی باکشور ما مانند سازمانهای جهانی (U.N.O.P، UNP، W.H.O، ZA.M.I و UNC) در امر تربیه کادر های ملی و تامین عرضه‌خدمات صحی برای هموطنان ما قابل توجه و یادآوری است.

پرسش خبر نگار باختر: لطفا در مورد کارزار وسیع تبلیغات و فعالیت های خرابکارانه حلقات غربی بخصوص امریکا درموردوضع صحت عامه در ج.د.ا. توضیحات ارائه نماید.

پاسخ رئیس آژانس‌اطلاعاتی باختر: محافل امپریالیستی غرب جنگ روانی را بحیث جز بسیار اساسی جنگ اعلام ناشده بر ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان‌همچنان به پیش میبرند.

ایالات متحده امریکا و سی.آی.ای وظیفه پیشبرد و ادامه جنگ اعلام ناشده‌در عرصه روانی را بر ضد ج.د.ا. بعهده دارد ایالات متحده امریکا و سرویس های استخباراتی امپریالیزم هرسال موضوع خاص‌را برای‌پیشبرد کارزار جنگ روانی‌علیه‌ج.د.ا. برمی‌گزینند.

هدف از این کارزار تبلیغاتی بسیج افکار عامه در غرب بخصوص در امریکا برضد ج.د.ا ، و کسب‌حمایه معنوی مردم در غرب برای توجیه سیاست مداخله گرانه غرب در ج.د.ا.است.

در شروع سال‌جاری عیسوی با سازماندهی سی.آی.ای در کنگره ایالات متحده امریکا جلسات خاصی دایر گردید ومقامات معلوم الحالی‌در سنا و مجلس نمایندگان ایالات متحده درین کارزارشرکت نمودند.

از فعالترین افراد درین کارزار سناتور گوودون همفری، سناتور الفونسودی ماتو، دکتور رابرت سایمن و امثال آنها از جمله متعصب ترین افراد دست راستی بودند که به نظریات افراطی ضدشوروی وضد افغانی شهرت‌دارند.

سناتور گوردون همفری طراح لایحه ضد افغانی‌بود که‌بموجب آن کنگره ایالات متحده امریکا بودجه خاصی رابرای ایجاد رادیوی باصطلاح «افغانستان آزاد» که شبکه یی از رادیو های با صطلاح «اروپای آزاد» و«آزادی» است که توسط سی.آی.ای اداره و تمویل میشوند به تصویب رسانید.

دکتور سایمن یکی دیگراز فعالین کارزار ضد افغانی عنصر وابسته به‌سی.آی.ای است که چندین بار به شکل غیر قانونی به افغانستان آمده و مسوول فرستادن جاسوسان سی.آی.ای تحت پوشش دکتور به افغانستان میباشد.

وی سازمانده اصلی فعالیت های گروه تورن تون است که در سقوط طیاره مسافربری دباختر افغان الوتنه در کندهار سهم مستقیم داشتند که‌اثر سقوط طیارهٔ مذکور پنجاه ودو هموطن ما از جمله چند طبیب جوان به شهادت رسیده اند.

سناتور الفونسو دوماتو عضو سنای امریکا فردی که ارتباطات مشهود با سی.آی.ای. دارد و جنون‌ضد شوروی و ضد افغانی دارد یکی دیگر از فعالترین افراد درین کارزار میباشد که کلمات گفت و شنود رادر مورد تعریف وضع صحت عامه در جمهوری دموکراتیک افغانستان در کنگره امریکا سازمان میدهد.

همچنان ژولیت فرنوتبهٔ فرانسه که درین جلسات و کارزار ضد افغانی سهم فعال دارد و در سال های قبل‌از انقلاب بجرم قاچاق مواد مخدره و بعداً قاچاق آثار باستانی کشور ما در افغانستان دستگیر وسپس رها شده است.

یکی دیگر از مزدوران سی.آی.ای که درین مجالس استماع کنگره ایالات‌متحده امریکا در مورد وضع صحت عامه در ج.د.ا. شرکت فعال داود شخص معلوم الحالی است‌بنام خالد اکرم که بنابه اسناد موجود سوابق سیاه داشته ودر یك فقره جنایت جدی سهم مستقیم داشته است، او که بامرکز فرهنگی امریکا در کابل روابط نزدیك داشت با پیتر گراهام سکرتر دوم سفارت امریکا درافغانستان که از اپریل سال ۱۹۸۱ تا ماه می ۱۹۸۳ در کابل ایفای وظیفه میکرد و همچنان گرارد فریمن سکرتر دوم سفارت امریکا درکابل که‌از سال ۱۹۸۰ الی سال ۱۹۸۲ در سفارت امریکادر کابل ظاهرا بحیث سکرتر دوم موظف بود ودر حقیقت بحیث هم آهنگ کننده فعالیت‌های ضد افغانی شناخته شده وابسته به‌سی.آی.ای میباشد، روابط دایمی‌داشته است.

طی این کنفرانس مطبوعاتی دو نفر شاهد عینی بنامهای لعل محمد و شادی‌خان اعضای باند کابدین که توسط قوای امنیتی کشور گرفتار شده‌اند درباره‌چگونگی و استعمال انواع‌مواد مسموم کننده که تلفات دستجمعی زابار آورده‌و باعث ایجاد انواع امراض میگردد و رهبران باند ها این مواد را جهت مسموم ساختن هموطنان بیگناه ما بدسترس آنها قرار میدادند.توضیحات دادند.

آنها افشا نمودند که رهبری باند تاکید مینمود تا مواد مسموم کننده را که ساخت امریکا و پاکستان بود و به اشکال مختلف‌مانند تابلیت ها، ساجق،پودر، گازومایع را در مناطق‌پر نفوس‌ومزدحم استعمال‌نمایند.

در پایان این کنفرانس مطبوعاتی اعتراضیه‌انجمن علمی اطبای ج.د.ا واعلامیه آژانس اطلاعاتی‌باختر در رابطه به تقبیح‌مداخلات خائنانه و تبلیغات خصمانهٔ امپریالیزم و ارتجاع بین‌المللی که‌در ادامه جنگ اعلام‌ناشده امپریالیستی برضد ج.د.ا. براه انداخته شده است خوانده شد.

در قسمتی از اعتراضیه اطبای ج.د.ا. چنین آمده است:

ما اطبا با درك‌عمیق از اهداف والای حزب دموکراتیک‌خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ماهیت اعمال ضد انسانی ارتجاع و امپریالیزم ابراز عقیده‌مینمایم که هر گاه جنگ اعلام ناشده ارتجاع و امپریالیزم بر کشور ما تحمیل نمیشد،به یقین کامل موفقیت های‌ما در تمامی عرصه ها منجمله عرصهٔ تأمین صحت مردم به مراتب بیشتر از آنچه تاکنون بدست آمده‌است میبود.

... ما از تمام نیروها و حلقه های صلح دوست‌جهان تقاضا مینماییم تا درتقبیح اعمال جنایتکارانه ،مداخلات و تجاوزات ارتجاع بین‌المللی و امپریالیزم علیه کشور ما، همنوا شوند.

انجمن علمی اطبا جمهوری دموکراتیک افغانستان‌با تقبیح‌ورد قاطعانه تمام‌اکاذیب و جعلیات امپریالیزم اطلاعاتی از همکاران مسلکی خویش در سراسر جهان می طلبد تا در افشای انگیزه و ماهیت این استقامت‌جدید تبلیغات دشمنان صلح و ترقی وظایف شریفانه و انسانی خویش‌را ایفا بدارند.

همچنان در قسمتی از اعلامیه آژانس اطلاعاتی باختر چنین آمده‌است.

... سازماندهندگان این کارزارتبلیغاتی علیه ج.د.ا. هیچگاه نمی توانند با توسل به جعل‌و تحریف‌این حقیقت را پنهان سازند که پس از پیروزی‌انقلاب‌ثور مخصوصاً مرحله نوین و تکاملی آن خدمات صحی در کشورما مجانی اعلام‌شده‌است. مردم زحمتکش‌ج.د.ا. روزتاروز اقدامات دولت انقلابی شان را در عرصه صحت عامه، حمایه طفل و مادر و پرورش سالم کودکان شان در زندگی‌خوداحساس نموده و در برابر جعلیات واکاذیب امپریالیزم خبری پیرامون به اصطلاح‌وخامت وضع صحی در افغانستان‌نفرین فرستاده وآنرابه‌استهزا میگیرند.

ح.ا.ث و باختر

ثمرهٔ دوستی و همکاری

تجلیل باشکوه

(بقیه ص اول)

آمر زون شرق، منشی کمیته حزبی ولایتی، رئیس کمیته اجرائیه شورای ولایتی نمایندگان مردم ولایت ننگرهار، مسوولین سازمانهای اجتماعی، آمرین دوایر دولتی، کارگران و متخصصین کشور دوست اتحاد شوروی درپروژه مجتمع آبیاری جلال آباد شرکت نموده بودند.

بعد از آنکه سرود های ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان واتحاد شوروی پخش گردید رفیق سرورمنگل معاون شورای وزیران ورئیس کمیته دولتی پلان گذاری پیام کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان را به مناسبت بیستمین سالگرد آغاز بهره برداری مجتمع آبیاری جلال آباد قرائت نمود که در قسمتی از آن آمده است:

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وشورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت بیستمین سالگرد مجتمع آبیاری جلال آباد صمیمانه ترین تبریکات خویش را به کارگران، کارمندان و تمام زحمتکشان کلکتیف مجتمع آبیاری جلال‌آباد ابراز نموده اطمینان کامل دارد که سالجاری آغاز ارتقای رشد سریع اقتصاد پروژه بوده وکلکتیف چند هزار نفری مجتمع آبیاری جلال آباد همه سعی مینمایند تا این سمبول دوستی افغان، شوروی نمونهٔ رشد تولیدات زراعتی در کشور باشد.

سپس رفیق عبد الغفار لکنوال وزیر زراعت واصلاحات ارضی در رابطه به نقش مجتمع آبیاری جلال‌آباد درحیات اقتصادی واجتماعی مردم افغانستان بیانیهٔ ایراد نمود.

متعاقباً ایلر د گیلوویچ خمیانوف معاون کمیسیون اقتصادی و تخنیکی اتحاد شوروی و افغانستان درباره ارزشهای اقتصادی واجتماعی پروژه بیانیهٔ ایراد نمود.

بعداً سید پاچا یکتن از دهقانان پروژه طی بیانیه‌یی به نمایندگی از منسوبین مجتمع آبیاری جلال آباد بیانیهٔ ایراد نمود و هر گونه ایثار و از خود گذری را در تطبیق پلان کار و دفاع مسلحانه از پروژه ابراز نمود.

در اخیر نشانها و مدالهای دوستی برای پانزده نفر از کارگران وکارمندان پیشتاز پروژه توسط رفیق سرور منگل به ایشان تفویض گردید.

طبق یک خبر دیگر به افتخار بیستمین سالگرد بهره برداری مجتمع آبیاری جلال‌آباد عمارت جدید مکتب متوسطه فارم میکانیزه نمبر دو مربوط پروژه مجتمع آبیاری جلال آباد پریروز گشایش یافت.

باختر

(بقیه ص اول)

علت عمده عدم رشد سکتور زراعت درکشور عبارت‌ازموجودیت‌بقایای مناسبات‌فرتوت فیودالی میباشد. چنانچه از جمله (۲ر۱)ملیون زمیندار در حدود (۳۵) هزار خان زمیندار یعنی (۲ر۹۱)فیصدآن (۲۹) فیصد تمام زمین‌تحت زراعت کشور را مالک‌بودند.

از این جهت حزب‌دموکراتیک خلق افغانستان در سیاست اصلاحات ارضی خود همیشه معتقد بوده است که انکشاف سریع زراعت کشور،بالابردن‌سطح‌تولیدات آن،مستفید شدن کامل‌دهقانان از محصول زحمت‌شان‌تنها و تنها بعدازمحو ونابودی تمام بقایای مناسبات و نظام فیودالی میسرمیگردد.

چنانچه‌محترم ببرک کارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا. ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در بیانیه تاریخی ۶جدی سال۱۳۵۸ـ دربارهٔمشی سیاسی دولت ج.د.ا.(اجرای مراحل بعدی‌اصلاحات‌ارضی دموکراتیک‌والغای مناسبات فیودالی را در صدر سیاست داخلی دولت ج.د.ا. قرار دادند.)

در بهبود وضع‌آبیاری،پروژه مجتمع آبیاری جلال آباد نقش عمده داشته است. کار ساختمانی مرحله‌اول‌مجتمع‌آبیاری جلال آباد توسط وزارت‌فواید عامهٔ وقت به کمک اقتصادی‌و تخنیکی کشور دوست اتحاد شوروی طی مدت چهار سال به اتمام رسید. این پروژه دارای فارمهای میکانیزه دولتی زراعتی، مالداری، باغات ستروس، زیتون و جنگلات میباشد. ساحه یی برای کشت گندم، جو، حبوبات، جنگلات و کشت سبزیجات اختصاص یافته است و گدامها برای ذخیره محصولات زراعتی پروژه اعمار گردیده است.

مجتمع آبیاری جلال آباد (۳۱۱۸۱) هکتار زمین را آبیاری میکند که در سال ۱۹۶۵ م مطابق به ۱۳۴۴ هـ.ش کار های عمده این پروژه تکمیل و تحت استفاده قرار گرفت که‌قبل از اتمام کار های ساختمانی پروژه‌در سال ۱۹۶۳م مطابق ۱۳۴۲ هـ.ش قرار دادی با کشور دوست اتحاد شوروی به امضا رسید که از آن‌اتحاد شوروی وظیفه گرفت تا به کمک های تخنیکی خویش در سالهای ۱۳۴۲ الی ۱۳۴۴ ادامه بدهد. چنانچه درنتیجه این قرار داد چهار فارم‌دولتی درساحه (۱۰) هزار هکتار زمین احداث گردیده وآبادانی ۲۴ هزار هکتار زمین نیز شامل این قرار داد بود. به تاریخ ۲۸ ماه جولای ۱۹۶۵ مطابق به ۷ ماه اسد سال ۱۳۴۴ در قرار داد، از جانب کشور دوست اتحاد شوروی تجدید نظر بعمل آمد. بتاریخ ۱۲ ماه می سال ۱۹۶۵ مطابق ۲۳ ماه ثورسال ۱۳۴۴ قرار داد نمبر (۶ ـ ۸۲۲) به امضا رسید که در آن فارم های دولتی هده و غازی آباد در ساحه شش هزار هکتار زمین وبه اندازه (۱۷ر۹) هزار هکتار زمین برای آبیاری و کشت درقرار داد شامل گردید. در سال ۱۹۶۵ م مطابق ۱۳۴۴ هـ. ش کارگران ساختمانی وکارگران زراعتی در فارم غازی آباد شروع به کار کردند که در عین حال به دهقانان کمک های تخنیکی مینمودند. تا بدین طریق دهقانان شیوه استفاده از ماشین را در امور زراعت آموخته وازان‌استفاده بعمل آورند. علاوتاً در رابطه به‌طرق استعمال کودکیمیاوی بالا بردن سطح تولیدات زراعتی و تربیه حیوانات اصلاح شده و بلند بردن سطح تولید شیر درفی رأس گاوکار های موثرراانجام‌دادند.

درسال ۱۳۴۶ امور ساختمانی فارم هده آغازگردید. ماشین آلات زراعتی و مواد ساختمانی مورد ضرورت ساختمان فارم هده ازدولت دوست اتحاد شوروی توریده وبه کمک متخصصین دولت دوست کار آن آغاز گردیده‌در پروژه مجتمع آبیاری جلال آباد در جهت تزئید تولیدات زراعتی احداث باغات‌ستروس وزیتون سبزیجات و فارم های مالداری توجه خاص مبذول گردیده است.

قبل از ساختمان مجتمع آبیاری جلال آباد برای‌غرس اشجار در وادی ننگرهار شرایط محیطی مساعد نبود. درده ها کیلو متر بعلت موجودیت دشت های سوزان درخت وجود نداشت. درین دشت‌هابرای زندگی‌انسانها، حیوانات و نباتات هیچ نوع شرایط زندگی و نشو ونما مهیا نبود. سی سال قبل در این‌وادی حتی‌یک‌نهال هم‌غرس نگردیده بودکه علت آنرا عدم موجودیت آب وو زش باد های گرم و خشک تشکیل میداد. زمین ها ئیکه توسط دهقانان آباد گردیده بود اکثر اوقات به اثر این بادها کشت و محصولات آن ازبین میرفت.

در سال ۱۳۴۴ در قوریه برای جنگلات در حدود ۳۰۰ هزار نهال تحت پرورش گرفته شد. که ازین جمله (۳۰) هزار نهال ابلتیس ۶۵ هزار نهال گز و سایر انواع درختان بود. بعد از این پرورش وتکثیر درختان زیتون و ستروس آغاز گردید. حاصل عمدهٔ پروژه از باغات زیتون وستروس بدست می آید. به همین اساس ۵۰ فیصد زمین انواع نباتات سوپتر پیکی درپلان گرفته شده بود.

مطابق پلان کار مجتمع آبیاری جلال آباد فعلاً در پروژه ۲۰۹۳ هکتار زمین با غهای ستروس و ۳۰۶۳ هکتار زمین با غات زیتون موجود می باشد. درسال ۱۳۴۴ یک قوریه تجربوی ستروس به اندازه ۳ هکتار احداث شده که طی همین‌سال برای هفت سایه بان به اندازه ۲۰۰۰ متر مربع زمین بمنظور پرورش نهال های زیتون و یک گرم خانه برای پرورش بته های سبزیجات ساخته شد.

در افغانستان این اولین فارم های میکانیزه دولتی بود که درآن متخصصین داخلی افغانستان بکار پرداخته اند.

کانال عمومی پروژه‌قدرت آبیاری ۳۱ هزار هکتار زمین را داشته. فعلاً در حدود ۲۵ هزار هکتار زمین آبیاری می‌گردد. که از آن جمله ۱۴ هزار هکتار آن متعلق به سکتور خصوصی یعنی به دهقانان وزمینداران مربوط بوده در ۱۵ هزار هکتار آن چهار فارم میکانیزه زراعتی به کمک وهمکاری تخنیکی و اقتصادی کشور دوست‌اتحاد شوروی احداث گردید. که ذیلا هر کدام آن طور جداگانه معرفی میشود.

ـ فارم میکانیزه هده:

کار ساختمانی فارم متذکره در سال ۱۳۴۶ آغاز و درسال ۱۳۴۹ ختم گردید. ساحه مجموعی با غات‌زیتون و ستروس ۱۵۴۴ هکتار منجمله ۷۰۵ هکتار ستروس ۸۳۹ هکتار با غات زیتون می باشد. که در حالت ثمر دهی کامل قرار دارد. در فارم متذکره ۴۱ باب تعمیر رهایشی دو منزله مجهز با تمام وسایل ضروری جمعاً ۴۷ اپارتمان، کلوپ حاوی ۵۰ بستر ـ رستورانت، سیلو به ظرفیت ۳ تن نان در ۲۴ ساعت، مسجد، شفاخانه، حمام مکتب با میدانهای سپورتی اعمار شده است. همچنان فارم متذکره‌بمنظور پرورش نهال دارای ساحهٔ برای قوریه میباشد. که مساحت مجموعی آن ۴۴ هکتار است که از آن سالانه در حدود ۸۰ هزار نهال زیتون، ۸۰ هزار نهال های مختلف النوع جنگلی وزینتی مورد نیاز پروژه واهالی شریف ولایت ننگرهار و کشور محبوب پرورش‌یافته وبه قیمت مناسب به اشخاص انفرادی عرضه میگردد.

فارم میکانیزه دولتی غازی آباد:

کار ساختمانی این فارم درساحه ۳۰۶۲ هکتار در اواخر سال ۱۳۴۴ شروع و درسال ۱۳۴۶ به پایه اکمال رسید. ساحه مجموعی با غات ستروس و زیتون ۱۶۶۷ هکتار منجمله ۱۲۳۶ هکتار باغات ستروس و ۴۳۱ هکتار باغات زیتون میباشد. که بطور کامل‌مورد بهره برداری قرار دارد. در این فارم ۱۱ باب عمارات دو منزله رهایشی برای ۲۴ فامیل و ۱۵۰ نفر مجرد، ۶۴ باب تعمیرات رهایشی مجهز با تمام وسایل برای ۱۲۸ فامیل، رستورانت، سالون سینما، باظرفیت ۶۰۰ نفر، سیلو به ظرفیت سه تن نان در ۲۴ ساعت، شفاخانه مجهز حاوی سی بستر، مکتب با ظرفیت ۷۰۰ نفر شاگرددر یک تایم درسی ومیدان های سپورت اعمار گردیده است همچنان دارای فارم مالداری، ورکشاپ مجهز تخنیکی و دستگاه سورت بندی مالته میباشد. فارم غازی آباد دارای قوریه یی به مساحت ۲۷ هکتار بوده که امکان پرورش سالانه ۱۸۰ هزار نهال ستروس و بیست‌هزار نهال های‌مختلف النوع‌جنگلی و زینتی از قبیل گلیسد، ابلیتیس، سرو، و سایر انواع نهال های زینتی رادارد که نهال های متذکره در فارم های دولتی پرورش غرس گردیده وهم به اهالی‌شریف ولایت ننگرهار و سایر ولایات کشور عرضه میگردد.

بزرگترین مجتمع زراعتی

تولیدات زیتون مجتمع آبیاری ننگرهار که از کیفیت عالی برخوردار است در داخل وخارج کشور بمصرف‌میرسد.

درانجائیکه آب است‌حاصل‌دسترنج دهقانان و سطح محصولات زراعتی بلند است.

عکاسی باختر

فارم میکانیزه دولتی نمبر (۲):

کار ساختمانی این فارم در ساحه ۲۴۲۰ هکتار زمین در اواخر سال ۱۳۴۶شروع و درسال ۱۳۵۲ ختم‌گردید. ساحه مجموعی با غات‌زیتون وستروس فارم مذکور در حدود ۱۰۰۰ هکتار منجمله ۹۸۰ هکتار زمین با غات زیتون و بیست هکتار زمین باغات ستروس میباشد. از باغات زیتون تاکنون درحدود ۲۰۰ هکتار آن تحت بهره برداری‌کامل قرارگرفته است.

در فارم متذکره قصبه رهایشی برای ۴۷ فامیل، کلوپ، کلینیک صحی، ورکشاپ مجهز ترمیماتی اعمار شده و هم تعمیر مکتب با ظرفیت ۳۰۰ شاگرد در یک‌تایم جدیداً اعمار و به افتخار بیستمین سالروز تاسیس پروژه رسماًافتتاح‌خواهدگردید.

فارم میکانیزه دولتی نمبر (۴):

کار ساختمانی این فارم در ساحه ۱۵۱۷ هکتار زمین درسال ۱۳۵۲ آغاز ودر سال ۱۳۵۲ انجام یافت. ساحه مجموعی باغات زیتون و ستروس در حدود ۱۰۱۰ هکتار زمین بوده منجمله ۲۳ هکتار ستروس و ۹۸۷هکتار زمین زیتون که از آنجمله‌در حدود (۲۶۷) هکتار آن مورد بهره برداری کامل قراردارد.

در فارم متذکره تعمیرات رهایشی مجهز با تمام‌وسایل ضروری، سینما به ظرفیت (۴۰۰) نفر، ورکشاپ مجهز ترمیماتی اعمار گردیده است.

ساحه مجموعی فعلی باغات ستروس وزیتون در پروژه مجتمع آبیاری جلال‌آباد در حدود (۵۱۵۶) هکتار منجمله باغات زیتون(۳۰۶۳) هکتار وباغات ستروس (۲۰۹۳) هکتار بوده و هم ساحه (۲۰۰۰) هکتار زمین بمنظور بذر نباتات زراعتی از قبیل گندم وجو، پالیز کاری، سبزیجات و تهیه‌مواد خوراکه برای فارم های مالداری از قبیل رشقه، شبدر باجره، جواری وغیره تخصیص داده شده است از جمله (۵۱۵۶) هکتار باغات زیتون و ستروس فعلاً ساحه (۲۳۰۰) هکتار اثر اعمال خاینانه ضد انقلاب با امر باداران امپریالیستی و ارتجاع سیاه منطقه یی شان تخریب واحیاً مجدد را ایجاب مینماید. تعدادی از کارگران و کارمندان شرافتمند پروژه بخاطر دفاع از سر سبزی و شادابی پروژه این تحفه گران مایه خلق کبیر اتحاد شوروی بزرگ به خلق قهرمان افغانستان انقلابی جان های شیرین خود رادر مبارزه علیه ضد انقلاب از دست داده و یا مجروح گردیده اند. از ناحیهٔ سوختاندن ماشین آلات، و سایل ترانسپورتی محصولات زراعتی، وسایر مواد توسط عناصر خاین بوطن مردم وانقلاب بیشتراز ۵۶۰ ملیون افغانی خساره به پروژه رسانیده شده‌است.

درسر سبزی وتطبیق موفقانه پلان های مطروحه تولیدی در پهلوی کارگران وکارمندان افغانی متخصصین دولت دوست اتحاد شوروی نقش ارزنده برازنده یی را برمبنای انجام وظایف انترناسیونالیستی و صادقانه خویش داشته و دارند.

از ابتدای تاسیس پروژه تاسال ۱۳۶۴ در پروژه جمعاً ۵۱ هزار تن ستروس ۱۲ هزار تن کنسرو زیتون به قیمت مجموعی بیش از ۲۵ هزار دالر امریکایی به‌اتحاد شوروی صادر شده است از جمله ۲۰۰۰ هکتار ساحه که بمنظور بذر نباتات زراعتی از قبیل علوفه جات، سبزیجات مختلف النوع وپالیز کاری تخصیص داده شده‌است همه ساله در حدود ۸۰۰ الی ۹۰۰ هکتار زمین گندم وجو اصلاح شده بذر میگردد و از حاصل آن سالانه در حدود هزار تن تخم بذری بریاست محترم تصدی تخمهای اصلاح شده به قیمت نازلتر بمنظور کمک به دهاقین کشورمحبوب تسلیم داده میشود چنانچه طی سالجاری ۱۰۰۰ تن تخم بذری بریاست متذکره‌تسلیم داده میشود که پروسه تسلیمدهی آن تا هنوزادامه دارد. در پروژه معمولاً تخم بذری نوع چیناب، مکسیپیک نیکو زاری و افغان ۱۴ بذر میگردد.

در متباقی ساحه علوفه جات از قبیل رشقه، شبدر، باجره بمنظور تهیه خوراکه تازه برای حیوانات بذر میگردد. در پروژه بر علاوه خوراکه تازه روزانه ۱۰ الی ۳۰ تن بمنظور تأمین خوراکه مواشی سالیج تهیه میگردد، که درایام عدم موجودیت خوراکه تازه از آن استفاده بعمل می آید. همچنان در پروژه به اندازه کافی ساحه برای نباتات ریشه یی، پالیز کاری و سبزیجات ازقبیل کچالو، شلغم، زردک، ملی، سیر، بادرنگ، تربوز، بادنجان رومی، بادنجان سیاه، بامیه، گلپی، پیاز و سایر انواع سبزیجات تخصیص داده شده است. که محصولات تولیدی آن از طریق مغازه دوستی واقع پشتونستان وات شهر جلال آباد بمنظور کمک به اهالی شریف شهر جلال‌آباد به قیمت مناسب عرضه میگردد.

بمنظور فراهم ساختن امکانات بخاطر استفاده اعظمی سال تمام از ظرفیت تولیدی فابریکه کنسروسازی جلال آباد یک مقدار زیاد سبزیجات در فابریکه متذکره کنسرو شده که دارای‌کیفیت عالی میباشد و به قیمت‌مناسب از طریق مغازه دوستی پروژه در شهر جلال آباد و مغازه پروژه در مکروریون کابل عرضه میگردد. چنانچه طی سال ۱۳۶۴ تاکنون در حدود ۱۵۰ هزار بوطل ۶۵ر۰ لیتره اچار بادرنگ بادنجان سیاه، بادنجان رومی، گلپی و سایر انواع سبزیجات تهیه وآماده عرضه میباشد.

باوجود شرایط پیچیده و دشوار سیاسی و نظامی بنابه همکاری همه جانبه مقامات ذیصلاح حزبی و دولتی ج.د.ا. ولایت ننگرهار در نتیجه‌سرکوب ضد انقلاب از اوایل سال ۱۳۶۴ امنیت درساحه پروژه تأمین ودر فعالیت‌های تولیدی تغییرات مثبت‌وقابل ملاحظه رونما گردیده است. درحال‌حاضر تدابیر همه جانبه بمنظوراحیای‌باغات‌ستروس و زیتون که در نتیجه اعمال خاینانه ضد انقلاب تخریب گردیده اتخاذ شده است. در تمام فارمهای دولتی پروژه پروسه ترمیم واحیاً واحداث باغات جدید جریان دارد. بمنظور جلوگیری ازمتضرر شدن نباتات از حشرات از میتود های مختلف علم‌حفاظه نباتات استفاده بعمل می‌آید.

کارمندان پروژه به کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، بیروی سیاسی‌کمیته مرکزی‌ح.د.خ.ا وشخصاً به رهبر گرامی حزب و خلق کشور محبوب خود رفیق ببرک کارمل‌تعهد میسپارد که در رفع نواقص وکمبودیهای موجود کار و پیکار صادقانه خود را تا آخرین رمق حیات دریغ ننموده و نخواهد نمود.

زیاد الله
کاندید علوم فلالوژی

از میان دلیران

محمود سابق عضو گروه مدافعین قریه دادشان و فعلاً سرباز احتیاط ولسوالی نظام شهید را همه مردم آن ولسوالی می شناسند و این شناخت بیشتر از کمک های بیدریغ او به زحمتکشان در مواقع ضروری و اشتراکش در عملیات های پاکسازی آن منطقه از لوث وجود اشرار ناشی میشود. موصوف جوان نیست شجاع و مصمم برخاسته از میان رنج وفقر، او میگوید: پیروزی انقلاب یکی از آرمانهای دیرینه او بوده است. آگاهانه سلاح بر دوش گرفته و در سال ۱۳۵۸ عضویت پر افتخار حزب دموکراتیک خلق افغانستان را کسب نموده است. با مردم برخورد نهایت صمیمی و برادرانه دارد.

وی ضمن صحبتی چنین گفت: بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب در جمله مدافعین انقلاب قریه، مسلح گردیده، ولی این یک امر تصادفی یا اجباری نبود. فقط بخاطر دفاع از دست آورد های زحمتکشان که تا قبل از پیروزی انقلاب بحالت رقتباری بسر می‌بردند ومحصول عرق‌ریزی آنها بجیب مشتی خائن بوطن و مردم سرازیر میشد. من که آگاهانه سلاح بردوش گرفته ام و تا پیروزی نهایی انقلاب همچنان مصمم و پایدار به پیکار عادلانه خویش علیه دشمن ادامه خواهم داد، وی اضافه کرد: ما در ولسوالی نظام شهید ضربات مرگباری بر عناصر ضد انقلاب‌وحشی وارد نموده وعدهٔ از سرکردگان خائن شانرا به کیفر اعمال آنها رسانیده ایم. خوب به خاطر دارم که یک‌شب یک گروپ (۱۲) نفری اشرار را بسته‌به با نه جمعیت قصد حمله به قریه دادشان را نموده بودند. بمجرد آگاهی همراه با همرزمانم در جنوب دادشان آنها را به محاصره کشیدیم که در نتیجه ۸ تن سرکوب، ٤ نفر دستگیر و ۱۳ میل سلاح شان بدست ما افتاد. ازینگونه پیروزیها زیاداست که ما قضاوت را به زحمتکشان منطقه که اکنون در کمال آرامش به امور روزمره شان می پردازند، میگذاریم.

این جوان با احساس در پایان صحبتش یاد آور شد: بمنظور اینکه فعالیت های انقلابی ام منحصر به چند قریه نباشد در ثور سال ٦۲ بصفوف رزمنده خارندوی ولسوالی مربوطه ام پیوسته و تا کنون در تمام فعالیت های محاربوی و امنیتی بجزو تام سهم گرفته ام.

فرحان خبرنگار ح.ا.ث.درهرات

سربازان و افسران قهرمان قوای مسلح ما با داشتن مورال واحضارات عالی محاربوی بیشتر از هر وقت دیگر مستحکم در نبرد علیه ضد انقلاب قرار میگیرند.
درعکس، محمد اسلم سرباز مخابرهٔ اردو.
عکاسی شریف لطیفی

اخبار

عملیات پیروزمندانه

یک منبع مسوول امنیتی کشور خبر میدهد که دراثر عملیات پیروزمندانه نیروهای امنیتی کشور که در منطقه پشد ولایت کنر صورت گرفته است، ٤۱ میل سلاح مختلف النوع، ۱۹ عدد ماین ضد پرسونل ویک دیپوی مهمات دشمن بدست نیروهای امنیتی کشور افتاده و شش عراده موتر حامل سلاح دشمن از بین رفته است. باختر

سواد آموزی

مطابق به مشی فرهنگی ح.د.خ.ا، پروسه تعمیم سواد طیف وسیع را بین توده های ملیونی کشور احتوا نموده این امر بزرگ بر علاوهٔ اینکه ساحه کلکتیف های ملکی را در بر می گیرد زمینه رشد و پرورش آموزشی سواد را در قوای مسلح ج.د.ا، نیز دربر دارد.
به تعداد هشت صد و شصت و هشت نفر از سربازان قطعات و جزو تامهای قوماندانی خارندوی ولایت سمنگان در چهل باب کورس سواد آموزی تنظیم و مصروف آموختن سواد می باشند.
این سربازان حماسه ساز بر علاوه اینکه در حفظ و تحکیم حاکمیت زحمتکشان وظیفه مقدس سربازی را اجرا می کنند با علاقهٔ فراوان کورس های سواد آموزی را نیز دنبال نموده که تعداد مذکور توسط معاونین سیاسی، افسران آن قوماندانی تدریس می گردند. نسیم

قطعات و جزوتامهای قوای مسلح ما تحت هر گونه شرایط ارضی برای نبرد علیه دشمنان سعادت مردم و تمامیت ارضی کشور آمادگی کامل رزمی دارند این واقعیت را آتش برتر قطعات توپچی بارهابه اثبات رسانیده است.
عکاسی ح.ا.ث.

حزب، مردم و قوای مسلح باهم اند

فیصله‌های پلینوم را تطبیق کنیم

عرصه های کار سیاسی

بخاطر تحقق آنچه دراعلامیهٔ شورای انقلابی ج.د.ا، تیزسهای ده‌گانه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا، وبیانیه اساسی پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.و دیگر اسناد حزبی و بیانیه‌های رفیق ببرک کارمل در رابطه باکار سیاسی به‌مقصد ارتقای سطح آگاهی سیاسی واحضارات محاربوی قوای‌مسلح بازتاب یافته اند ارگانهای سیاسی اردوی ج.د.ا. کار وسیعی را سازمان داده است. در ینمورد مقاله داریم که اینک به نشر سپرده میشود.

در شرایط کنونی کار سیاسی در بین قوای مسلح و مردم به اساس مصوبات کنفرانس سرتاسری حزب، پلینوم های کمیته مرکزی حزب به خصوص پلینوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب ومصوبات جلسه باشکوه بیستمین سالگرد تاسیس ح.د.خ.ا ، و فیصله های تاریخی لویه جرگه جمهوری دموکراتیک افغانستان و بیانیه اساسی پلینوم شانزدهم کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا، صورت گرفته و اهداف ذیل را تعقیب می‌نماید:

سمت دهی تربیت ایدیولوژیک و سیاسی سربازان، خرد ضابطان و افسران در جهت ارتقای هر چه‌بیشتر قابلیت محاربوی قوتها، تشدید مبارزه علیه دشمنان انقلاب، تقویت حالت معنوی و دسپلین‌نظامی قوتها.

تربیت منسوبان عسکری با روحیهٔ وفاداری به تحلیف عسکری، شجاعت، پایداری، دلیری و عزم راسخ در اجرای وجایب عسکری آنان.

ایجاد بیداری عالی‌سیاسی وابراز نفرت و انزجار نسبت به دشمنان ج.د.ا،مواظبت دایمی از آموزش سیاسی افسران، تعلیم وتربیه تخنیکی آنها وتاکید هرچه بیشتر بر تربیه افسران و منسوبان با روحیهٔ وفاداری به امر انقلاب ثور، پاک نفسی، راستگویی، اصولیت حزبی و آشتی ناپذیری با نواقص، کمبود ها و تفهیم مسئولیت عالی در برابر کار سپرده شده، تحکیم تماس مستقیم باتوده های وسیع منسوبان نظامی، دانستن وضع روحی و مطالبات سربازان و منسوبان و نشان دادن عکس العمل به موقع به آنان و مواظبت روزمره ازوضع معیشتی اعاشه و اباطه وکلتوری سربازان، خرده‌ضابطان و افسران، تقدیم گزارش به موقع به ارگانهای سیاسی مافوق در خصوص مسایل کارسیاسی ووضع سیاسی و معنوی پرسونل و فعالیت آنها، مطلع ساختن اعضای حزب از فعالیت های اجرا شده و انجام تصامیم کنفرانس‌های حزبی و جلسات فعالین حزبی، تامین ارتباط مستقیم باکمیته‌های حزبی ولایتی و ولسوالی و سازمانهای اجتماعی و موسسات صنعتی و آشنا ساختن منسوبان عسکری با موفقیت ها و پیشرفت های زحمتکشان افغانستان، کمک به ارگانهای محلی در پیشبرد امور نظامی و وطن پرستانه در بین اهالی، انگیزش احساس عشق و علاقه نسبت به اردو و آماده گی به خاطر دفاع از وطن در بین جوانان، بسط و توسعه همکاری بین سربازان افغانی و عساکر قطعات محدود اتحادشوروی که بنا بر تقاضای حکومت ج.د.ا ، در کشور ما اقامت دارند.

کار سیاسی در قوای مسلح پروسه همه جانبه است. قسمت های عمده متشکله آنرا تربیه سیاسی و نظامی و همچنان رشد اخلاقی، کلتوری وجسمانی منسوبان نظامی تشکیل میدهد.

جانب عمده این پروسه را تربیهٔ سیاسی تشکیل میدهد. آموزش سیاسی منسوبان نظامی در حقیقت عبارت است از کار در جهت ابدیده گی و پختگی ایدیولوژیک و سیاسی و تشکل ثبات ایدیولوژیکی آنها. تربیت سیاسی و صفات‌فوق از لحاظ محتوای خودانقلابی بوده و تربیت بروحیه وفاداری بی پایان به امر عادلانه ح.د.خ.ا .با تربیت آماده‌گی دایمی دفاع ازمیهن وانقلاب در مقابل تجاوزات بیشرمانه دشمن پیوند دیالکتیکی دارد.

جای تردید نیست که یکی از عمده ترین شرایط دستیابی به آبدیدگی ایدیولوژیک و سیاسی محو بیسوادی در اردو میباشد، شخص بیسواد نمی تواند اهداف و وظایف انقلابی را به صورت کاملاً عمیق درک نماید. از این سبب ریاست عمومی امور سیاسی اردو سعی می ورزد تا پرسونل اردو به خاطر دانش و فراگیری ایدیولوژی انقلابی ودرک سیاسی آرمانهای‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان در نظر گرفته و متکی به آن یک سلسله تدابیر واقدامات موثر را درخصوص مبارزه با بیسوادی رویدست گرفته و آنرا جامه عمل می پوشاند.

علی الرغم موجودیت شرایط دشوار فعالیت های محاربوی در اردو درسال ٦۳ اضافه از (۲۹۳۳) گروپ سواد آموزی ایجاد گردیده است که در آن ٤٥،۳٤ سرباز بیسواد تنظیم گردیده بودند.

فعلاً دراردو تصمیم گرفته شده هر سرباز بیسواداردو باید تا ختم دوره سربازی باسواد گردد و شهادتنامه کورس سواد آموزی را بدست آرد.

قوماندانی ها و ارگانهای سیاسی ازهمه‌امکانات استفاده می نمایند تا سطح آبدیدگی تیوریک و ایدیولوژیک منسوبان نظامی بهبود یابد. قوماندانان و کارکنان سیاسی در این زمینه همیشه برسازمانهای حزبی وجوانان اتکا می نمایند.

رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، رئیس شورای انقلابی و سرقوماندان اعلی قوای مسلح ج.د.ا. در خصوص اهمیت کار سیاسی در قوای مسلح ج.د.ا ، در جلسه باشکوه هیأت رهبری و سوق و اداره و آمرین سیاسی قوای مسلح چنین خاطرنشان ساخته اند: ((در پروسه پرورش و تربیت اردو عناصر شکل‌گرا و برخورد سطحی با کار مجاز نیست. ارتباط مستحکم کار سیاسی باوضع کشور با مجموع فعالیت قطعات و جزو تامها امکان آنرا میسر می سازد که مسایل مربوط به تعلیم و تربیه و پرورش و تحکیم دسپلین و قدرت رزمی ... به شکل بهتر حل گردد. لازمست تا هیأت رهبری‌در کار سیاسی و تربیوی شخصاً اشتراک ورزد.

باید به قطعه و جزوتامها نزد سربازان رفت و باکلمات ساده و قابل فهم به طور مفصل مصوبات کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ، را به‌مغز و شعور و قلب هر سرباز طوری نفوذ داد تا آنها به صورت داوطلبانه این مصوبات را در عمل پیاده نمایند.))

این رهنمود رفیق ببرک‌کارمل یکی از اساسی ترین میتود موثر تربیتی کار سیاسی و تربیتی را در قوای مسلح ما تشکیل میدهد که به خاطر تحقق بخشیدن آن هر قوماندان، کارکن سیاسی و هر عضو حزب وظیفه و وجیبه وطن پرستانه دارد. سعی و تلاش همه جانبه به‌خرج دهد تا ازین میتود ورهنمود ارزشمند در کار سیاسی بین قطعات و جزو تامهای قوای مسلح استفاده اعظمی صورت گیرد.

به خاطر پیشبرد کار سیاسی در بین قوای‌مسلح سیستم منظم کار سیاسی ایجاد گردیده، شبکه وسیع ادارات تربیوی، کلتوری از قبیل کتابخانه ها،اتاق های تربیه سیاسی و کلتوری، کلوپ ها، مراکز رادیویی، کلوپ ها، اتاق های افتخارات واتاق های دوستی افغان ـ شوروی در قطعات و جزوتامهای اردو تاسیس گردیده است که همه منسوبان از آنها طبق پلان استفاده می‌نمایند.

برعلاوه وسایل ارتباط جمعی‌از قبیل حقیقت انقلاب‌ثور به تیراژ قابل ملاحظه، حقیقت سرباز به‌تیراژ اضافه از پنجاه هزار نسخه، مجله اردو به تیراژ اضافه از نه هزار جلد، مجله هوائی و مدافعهٔ هوائی در حدود پنجهزار جلد در بین منسوبان قوای مسلح نشر و توزیع میگردد که عمدهٔ این نشرات بخاطر تربیت و پرورش منسوبان قوای مسلح بخاطر تحقق اهداف آتی صورت میگیرد:

پرورش هرچه بیشتر روحیهٔ انقلابی پرسونل، اعتقاد عمیق به حقانیت واهداف عادلانه انقلاب. آموزش ایدیولوژی علمی انقلابی، تعلیم وتربیهٔ معنوی، سیاسی وروحی عساکر، احضارات عملی بخاطر دفاع ازدستاوردهای انقلاب و مردم تا آخرین قطرهٔ خون، پرورش حس نفرت سربازان نسبت به دشمنان انقلاب شکوهمند ثور، تامین اجرای بلا شرط وظایفی که حزب معین ساخته است،مبارزه در جهت حصول وایجاد عالیترین نظم و دسپلین، تربیهٔ وطنپرستانه و انترناسیونالیستی های واقعی.

کلیه جهات فوق حاکی از یک هدف مشترک است. شکست قطعی ضدانقلاب‌ودفاع مطمین از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ثور.

قوماندانان و ارگانهای سیاسی تدابیر لازم را جهت بهبود کار سیاسی در بین مردم‌و تبلیغات خصوصی راعلیه باند های اشراراتخاذ نموده اند.

عمده ترین‌وظیفه دراین خصوص عبارت ازتشریح وتوضیح مصوبات کنفرانس سراسری حزب، تصامیم پلینوم های کمیتهٔ مرکزی بخصوص پلینوم پانزدهم وشانزدهم کمیتهٔ مرکزی حزب، اعلامیه شورای انقلابی ج.د.ا. و تیزسهای ده گانه رفیق ببرک کارمل، واسناد و مصوبات لویه جرگه جمهوری دموکراتیک افغانستان، قانون ارگانهای محلی قدرت و ادارهٔ دولتی وقانون‌انتخابات جرگه های (شوراهای) محلی نماینده‌گان‌مردم ج.د.ا. افشای‌اعمال جنایتکارانهٔ ضد انقلاب، تجرید باندهای ضدانقلاب در میان اهالی کشور، تأمین اشتراک وسیع و فعال توده‌ها در امر تحکیم و دفاع از انقلاب ثور، مساعدت‌همه جانبه وتطبیق تدابیر حکومت ج.د.ا. ارگانهای دولتی وحزبی در محلات که باعث ثبات و استقرار وضع در کشور وتامین صلح سراسری گردیده است دانسته میشود.

ریاست تبلیغات خصوصی ریاست عمومی امور سیاسی اردومطابق پلان مشترک باشعبهٔ تبلیغ و ترویج و آموزش کمیتهٔ مرکزی‌ح.د.خ.ا فعالیت وسیع تبلیغی را متمادیاً با اشتراک مفرزه های تبلیغاتی خارندوی در ولسوالی اندراب ولایت بغلان انجام داده و هم بصورت مستقل در اثنای فعالیت محاربوی و هم اوقات دیگر با مساعی مشترکه ارگانهای حزبی، دولتی وسازمانهای اجتماعی محلی اجرا نموده است. این تلاشها همین اکنون هم وسیعاً ادامه دارد.

بریدجنرال محمداکرم
رئیس تبلیغ و ترویج ریاست عمومی امور سیاسی اردو

اوچرک یک سرباز انقلاب

بازگشت از امتداد یک عبور

(بقیه ص اول)

نیمه شب سرد او تنها موجود زندهٔ ایست که از کالبد نیمه جان دهکده بیرون میشود. شبح قامت بلند دارد. اما گام هایش چنان نیست که بتوان گفت مردانه میرود. حرکات او دزدانه وهراسان است. در فاصله کمی دور تر دهکده را مینگرد که در پشت سر او همچنان سرد وخاموش خوابیده و لحظات چند بهمان حال از رفتن باز می ایستد. سفر دراز است و عابر در نخستین گام این راه بی بر گشت دل شکسته و پریشان می نماید. شاید حق با او باشد: دل کندن از خانه وخانواده، بریدن از زن و فرزند و رخت بردن به دیار بیگانه کار ساده یی نیست.

وقتی او با همسر وداع میکرد دختر کوچک و دو فرزند او خوابیده بودند. حالا مگر آن بی گناهان خفته ومعصوم در برابر چشمهای او گریه کنان پدر را نمی خواهند و کوچکترین همه بر دامن او چنگ نمی زند؟ فرزندانی که نخواهند دانست نان آور شان یکباره کجا رفت، اندوه بی پدر بودن را چگونه تحمل خواهند کرد؟ مسافر فقط به همسر خویش در حالی که با گریه میخواست مانع اوشود چیزهای از ناگزیری گفته بود...

مرد که قامت بلندو تنومندی دارد، سرانجام راه خویش را دنبال میکندو در امتداد خط باریک کنار تپه ها در آغوش تاریکی شب ازنظر تنها بینندهیی که با گیسوان پریشان و دیدگان افسرده وغمبار، شبح لرزان شوهر را مینگرد، پنهان میشود.

مدتی بعد گام های کسی نا امیدانه در تاریکی می شکنند. دست های نیازمند زنی شیون کنان روبر آسمان در طلب است و کودک بی زبان زار می نالد. شاید گام های عابر از احساس مرموز همین شکوه های غمین شکسته باشند. مسافر کنار درخت خشکیده یی بر زمین نشسته. گویی غم سنگین بر جان دارد یاز خم بی درمان برسینه.

برج و بارهٔ شهر عجب هنوز با پیکر سهمگین خویش همچنان ایستاده است. از سپیدی روز هیچ اثری نیست. واین زیستن در سیاهی بردل بیمار واندوه بیشتر می آفریند. یارای رفتن ندارد، غرق خیالات اندوه بار، نگاه گمگشته بر دیوار سیاهی دوخته است. خویشتن را در پرده های لرزان یاد های گذشته، که حالا چون تصاویر سیال بر او میگذرند، غمزده وحیران محصور می یابد:

باز دوران جوانی را می نگرد، شادمانی هارا، دویدن ها وافتادن هارا، کشتزاران آباد را، بیل و زمین و سبزه وآب سرد را، عطر گندم زار قد کشیده و نان گرم وفصل باران را، واینک عجب اشتیاق باز رفتن، اکنون بر سر این دوراهه دروی پدیدار است.

آن وقتها که محمد زمان مکتب میخواند و مدد گارپدر بود، بیل بر دوش زمین ها را آب میداد و چون فصل درو فرا میرسید، آسمان را می دید که در آن بالا ها، زیبایی خیره کننده یی داشت، شاید مصیبت این روز های غم اندود را حتی تصور هم نکرده باشد.

یادش آمد که بیشتر از هشت صنف را نتوانسته است بخواند. فقر مانع ظالمانه یی بود و تنها یی پدر هنگام کار بر مزار عناگزیری دیگر. نوجوانی فصل زیبای زندگی، عریزان و آبله بر دست گذشت. زمان لحظه هارا از نظرمیگذراند که باچه زحمت فراوان همراه، امادلپذیر وزودگذر بوده اند.

سلسلهٔ افکار این مرد غریب دراز و پریشان است.

اما راهی که باید برود دشوار گذر و غریب تر از آن. و مسافر بیچاره نمی داند که در پایان این خط گناه آلود، لکه ننگی بر دامن او خواهد نشست. کاش باز آمده یی سر بر آورده بگوید: ای مسلمان زادهٔ غافل! حب وطن نیز جزء ایمان است. آنجاکه من بودم و توقصد آن داری، شوره زار نفرین شده ایست که بر زمین آن گیاه سبز نمی روید. امادریغ که هیچ بانگ باز دارنده یی بر نخاست...

گام های تندی سکوت شب رابرهم زنان فاصله ها را با شتاب می برید. مسافر ازچند شهر ده گذشته بود. آن شب به سر آمد و روز دیگر نیز در دامن تیرهٔ ظلمت فرو خفت. اما این فرجام پایان کار نیست. آغاز دردناک سرنوشت دیگر یست که هرو خود نمی داند او هنوز سایه شوم غربت واندوه جان فرسای تنهایی در دیار بیگانه را بر جان سرد خویش احساس نکرده است.

این غریب از زیر آسمان تیرهٔ حکمروایی امین تبهکار میگریزد. از آن فضا که بوی خون دارد و قاتلان بیرحمش در دل هر شهر و ده هموطن زنده دلی بیم مرگ آفریده اند. او از شهری میرود که اطمینان ازآن رخت بربسته، دلهره و اضطراب برخانه ها می بارد. او در پیش چشمهای از حد قصه بر آمدهٔ خویش جنایات هولناکی را در حال انجام شدن دیده است.

دراین فضای بی نور و عصیان خیز، سپید جامگان سیه دل نقاب دین و مذهب بر رخ، «داد به اصطلاح حمایت از اسلام بر گلو» و «فریادحق برزبان دارند!» امین سلطان شب کیش شهر است، سلاله مار بر دوش فرمان میراند. دستی سبحه گردان با آستین سپید ودستی بنام نیاز های مادی انسان بر جان ومال مردم دراز است. دهکده ها در آتش بیداد هردو دست سیاه کار می سوزد. خرمن ها تاراج میشود و کشتزاران تشنه کام بی آب می مانند. دره ها نالان است، کوهستان سوگوار و آسمان، ابر اندود و بی نور. چنین است که عابر تنها، بی پناه وناگزیر میشود...

• • •

اینجا گذرگاه ارض موعود تبار اهرمن است. و عابر سر گردان ما به همین وعده گاه دروغین آمده است. هوای نامطبوع به مشام او دمیده میشود. احساس کسالت و بی هوشی از همان نخستین گام رود بر جانش افتاده است. دشت وسیع و بی آب را گذشته اکنون در هجوم ساکنان شهر گام میگذارد. درجستجوی سجاده بر دوش است که او را فرا خوانده. تا طریق ورود بهشت را به این مسلمان ساده باز نماید. به هر دری سر میزند واز هر کسی می پرسد. همکیشان این دیار اورا به نفرت نگاه میکنندو سخنش را جوابی نمی گویند. عده یی همزبان به او دشنام میدهند. او حیران این پاداش همسایگان سکوت رابر اظهار ترجیح میدهد. هموطنی می آید. وی از طرز لباس و حرکاتش این را میداند، چنانکه گویی دنیایی نصیب شده باشد، فریاد می کشد. اشک بر دیدگان جوینده اوجاریست. هموطن را در آغوش می کشد. بدون انتظار سلام و بوسه های گرم او واین که سایر

عابرین اورا به تماشاگرفته اند. هموطن دلسوزانه به او مینگرد. گویی پیشامد عادی باشد، استقبال سردی میکند. زنگ هوشدار در گوش های عابر صدا میزند. هموطن نشانی های معین رابه اوتحویل میدهد و بی آنکه خدا حافظی کرده باشد دوباره در میان جمعیت ناپدید میشود.

محمد زمان در برابر عمارت مجلل و با شکوهی ایستاده است. چند مرد مسلح عمدیار پاسدار این قصر اند. منتظران کم نیستند. همگی مانند او از شهر ها و قریه های دوردست آمده اند. هیچکس به اینان خوش آمدید نمی گوید و انتظار به درازا می کشد. مدتی بعد صدای غریادهای خشماگین جمعیتی بگوش می آید. صداها لحظه به لحظه نزدیکتر و رساتر میشوند. عدهٔ بیشمار مرد و زن خشماگین از برابر آن ساختمان میگذرند. زمان سخنان آنها را به درستی نمیداند. منتظری به او میگوید: مردم از زمامداران خویش بیزار اند و فراریان افغانی را دزدان بی وطن می نامند. دو سه مرد خشماگین جانب آن کاخ با شکوه سنگ پرتاب کردند.

زمان زنگ های هوشدار دهنده را اینک رساتر از پیش می شنید. این برای او دور از باور بود و با خویش میگفت: آنان که از داعیهٔ دیگران حراست می کنند، چرا خود مورد خشم وعتاب ملت خویش قرار گرفته اند؟ این چیزی بود که زمان تازه به آن پی میبرد...

لحظه ها به کندی میگذرند خیالات ناآشنا و درد آوری بر جان مسافر دمیده میشود: سر گردانی در کوچه های شهر، نفرت مردم نسبت به آوارگان و خشم دربرابر «فرمانروای مسلمان» و حامی «جهاد افغانها!» و دروغ های شیرینی که او در این باب شنیده است، اکنون به حقایق آزار دهنده یی درذهن اوتبدیل میشوند...

شام درد باری بر فضا در حال نشستن است. قامت روز انتظار در عبور لحظه های سرد و سنگین میشکند. ناگهان آماده باش عجیب شکل میگیرد. پاسداران، زشت منظر و قسی القلب، مسافران را از دم درگاه میرانند. موتر قهوه یی رنگی در حالی که جیپ امریکایی با شتاب اورا دنبال میکند، جانب قصر می آید و باصدای کر کننده یی مقابل دروازهٔ آهنین و بزرگ می ایستد. زمان نمیداند چه کاری باید انجام دهد. فریاد بکشد یا باشتاب خودش را پیش پای آنکه آمده است بیندازد. به طرز عجیبی خود را بیگانه احساس میکند. آخر او نمی دانست، و سلطان عزیز شان که این همه ترسانده است و پاسدارانش این همه بیرحم اند.

وقتی دروازه های آن دو، موتر پر زرق و برق که نظیرش کمتر به چشم زمان خورده است از هم گشوده شد، پرسش های بی جواب، فراوان بر ذهن مسافران آوار و سایه انداخت. برخلاف انتظار اما هیچ بزرگ مردی باقیافه نورانی نیامده بود که بسر مسافران خوش آمد بدبگوید واز گرسنگی چند روزهٔ آنان بپرسد. در عوض دو دختر و یک پسر جوانی پا بر زمین گذاشته اشتیاق تماشای

سپری ناپذیری آفریدند. آنگاه بی هیچ توجه و لطفی وبی هیچ سلام و کلامی ازبرابر حاضرین گذشته در جلال آن قصر باشکوه ناپدید شدند. مردان چشم براه و خسته دل همچنان در بلا تکلیفی افتاده، هردم به حیرت فرو تر می شدند. یک تن از ایشان آهسته گفت: فرزندان «حضرت امیر» از مکتب آمده بودند.

سرانجام با همان شکوه آماده باش پیشین و هیبت بیشتر از آن «حضرت امیر!» در میان تعداد افراد مسلح سوار بر موتر های سیاه رنگ آمدند. یک تن از دربانان اشاره به مسافران چیزی در گوش وی گفت. مرد ریشدار در حالی که لباس منظم و شیکی بر تن داشت رو به آوارگان از همان فاصله دور آهسته آهسته سر جنباند و دستاری تحویل دربان کرد. زمان که از حیرت واندوه فراوان، خشکش زده بود، در چشمان بی فروغ و خشم اندود این مرد ریشو، در حرکات آمرانه و بی مروتی وزندگی پر ابهت شاهانهٔ او همه امید ها وبرداشت های قبلی خود ش را باخت، هیچ سخنی نگفت و همچنان ساکت و آرام با دست های برسینه بسته اورا می دید که درهاله یی از آرزو های به ظاهر مقدس چون مرداب متعفن نمایان است. آن مرد نیز به دنبال فرزندان خویش پا اندرون کاخ چراغان نهاد و مسافران را جانب مکان متروکی در گوشه دور تر هدایت کردند.

عابر بیچاره مدتی دراین شهر اقامت گزید. او نمی خواهد به خاطر بیاورد که در امتداد آن لحظه های دشوار بر او چه گذشته است و چگونه بانگ های هوشدار دهنده یی اورا بخود آورده اند.

او «رهبر را!»، «امیررا!» وآن پاسدار دروغین جهادرا دیده و حرف هایش را شنیده است. به مکان شوره زاری پانهاده که هموطنانش چون موران گرسنه در زمین نفرین شدهٔ آن می لولند. عذاب و ناگزیری های زنان ودختران افغان را دیده است. که در انتظار آبی، نانی و قرص مداوایی فریاد می کشیدند، وتاموسی شان هرگز درامان نبوده است. او خود در طوفان ریگستان وشب های بی نور آن دیار ظلمت خیز شب های درازخفته و دست های طلب را درانتظار یک روز آفتابی بر آسمان گرفته واز بارگاه خداوند باضجه های درد آلود آمرزش خواسته و نجات طلبیده است...

یک روز موقع تعلیمات آدم کشی آواره یی را دیده است که قصد فرار کرده و با دست آن جانیان در همان حال به شهادت رسیده است. بنابرآن خاموشانه در فکر باز گشت به وطن، نفس در سینه بسته ودر حضور آن رهبران کذایی برای جنگیدن آمادگی نشان داده است، تااز همان راه ها و بیشه ها که رفته بود دو باره بوطن باز گردد. مسافر با این رهتوشه های درد آلود، در حالی که از خواب غفلت بیدار شده است وآن اندیشه های به ظاهر مقدس را وارونه و دروغین می یابد. با عده یی دیگر راهی دیار آشنا میشود. وقتی آخرین فاصله های راه کوتاه تر میگردد. اشتیاق مستی آوری در خویش احساس میکند. آرزوی رسیدن بخانه

در قفس آن سینه تنگ بشدت می طپد. نور روشن خورشید از پس کوه های سر کشیده و مغرور تابیدن گرفته است. کوهستان آغوش گشاده، دارد. آبشار با صدای تندی در نشیب دره ها جاریست. مسافران از کنار خط باریکی وارد میشوند. زمان تاب و توان از دست میدهد و بی اختیار سینه بر خاک وطن می ماله.

آبشار در خط همواری، امتداد یافته است و مسافر تا دامنه های کم نشیب دره ها، میدود. بعد کنار جویبار باگردار کودکانه یی روی زمین خوابیده، صورت خویش را برآن آب گوارا، مینهد و پیاپی از آن اکسیر شفا بخش می نوشد.

زمان بی هیچ خستگی گام میگذارد. او مست هوای وطن است، عاشق این خاک ودشت و دره وسبزه وگیاه.

چون به نزد یکی های قریه رسید، حال دگر گون داشت اینبار دهکده رابه رنگ دیگر وحالی دگر گونه دید. خانه های گلی، باغچه ها و کشت زاران امیدوار، چنان در نظرش پر جاذبه و احترام بر انگیز بردند. که هیچ ندانست حق این افتاده تنها راچگونه بر جا بیاورد، وقتی نزدیک دروازه منزل خویش رسید، شب، پیش قدم های روز جا ن میداد. قریه جویباران از خواب سنگین بر میخاست و روشنی در تاروپود قلعه ها راه باز میگرد. دودبارت یکی از میان خانه های دهکده بر آسمان میرفت. بانگ آذان در عمق کوچه های دهکده پیچید و زمان از افکار پریشان رهایی یافت. آب شفاف در امتداد جو یچه های باریک روان بود. زمان کنار جوی نشست. طهارت کرد، وبعد لب پلوانی سر به سجده نهاد. از خدا می خواست زن و فرزندانش، زنده و سالم باشند و آنهمه رنج های غربتش مداوا گردد.

لحظه یی دم دروازه ایستاد آواز پدر را شنید که رو به همسر فرزند میگفت: مسجد میروم واز خداوند گمشده ترا می جویم. دخترم گریه نکن، خداوند مهربانست. صدای پای پدر در رهرو پیچید و زمان خودش راپنهان کرد، تا او بگذرد. آنوقت آهسته وارد خانه گردید و همسر را کنار دیگدان نشسته دید که آتش افروخته بودو ظرف پر از آب، روی آتش نهاده، گریه میکرد. سگک که تاآن وقت پیش پای زن دست ها رو به جلو خوابیده بود، ناگهان گوشها راجانب دروازه گرفت. از جابرخاست، زوزه کشان وپربردن گویی غم جانکاهی دارد، پیش پای زمان چند بار خود ش را بر زمین کوفت و ناله های سوزانی سر داد. سگک که صاحب آواره خویش را یافته بود، چون دیوانگان دور او میگشت و ناله میکرد.

همسر زمان که با همان ناله های نخستین سگک دانسته بود، این آشنا کسی جز شوهر او نیست، گریه کنان خودش را در آغوش وی انداخت. مسافر نیز بی آنکه سخنی بر زبان آورده باشد، مثل ماتم زده هاگریه میکرد...

چند روزی نگذشته بود که قاصدان آن مجمع سیه دل سراغ او آمدند. وزمان ناگزیر ماموریتی یافت، که انجا مش را نمی خواست. بعد از آن اوجزء گروپی مسلح وضد انقلابی یی بود که می بایست، جهت اجرای وظایفی از میان قریه مجاور

گذشته با منطقه معین بروند. گروه ضد انقلابی دیگری راه عبور را بسته بودند. سر دسته این گروه، مولوی شفیع الله قوماندان این برادر کشی را بر دست داشت، جنگ سختی آغاز گردید، زمان می دید که مسخ شده گان چگونه خون همدیگر را میریزند.

دسته مقابل قوی تر و بسیار تر بودند، سه تن را اسیر گرفتند و باقیمانده ها که زمان نیز جز ایشان بود، در گوشه ها و بیشه های خاموش پنهان شدند.

زمان در برابر چشم های خویش آن واقعیت تلخ و جانکاهی را شاهد میشد، که سر انجام چون انگیزه هایی رقابتی اورا عوض میکرد و مصمم میساخت، راه ی طریق دیگری در پیش گیرد.

وقتی دید که آن جلادان بیرحم اسیران خویش را سنگسار میکنند خواست مانع شود، آن دیگری که درکنار اوبود ساکتش ساخت و رنه اونیز سر نوشتی شومی میداشت.

هرسه اسیر دست بسته در میان افتاده بودند و بر سر و صورت تشان تا اندام سنگ های بیشمار کوفته شد تا از هیچ کدام رمقی باقی نماند. حاجی نورمحمد که باشنده همین محل بود، قرآن روی دست، پیش آنان زانو زد. تانگذارد اسیران در عذاب بمیرند.

اماسودی نکرد و جسد کشته شدگان زیر سنگ های قریه «زیبه» پنهان شد زمان وهمراهان دیگر شب به آهستگی فرار کردند.

نزدیکی های شام شکست خورده گان وارد قریه گردیدند. هرکدام جانب خانهٔ خویش رفت. زمان تنها مانده بود و باخود می اندیشید: عاقبت این کار به کجا خواهد انجا مید؟ آیا کسان دیگری با او هم عقیده خواهند شد؟ این شام تیره مگر به سر خوا هد آمد؟ دست مدد گار کجاست؟ بانگ رسای دعوت از کدام سوی بر میخیزد؟

فردا همفکری به نزد او آمد. هر دو در خلوت هم سخن گفتند. راز های پوشیده بر ملا شد. درد ها مشترک اند. برداشت ها یکسان است. چشم ها به دنبال نجات بخش و گوش ها در پی آواز وی اند.

روز هاگذشت و شام ها به سرآمد. عده یی زیادی در دستهٔ آنان به انتظار نورفردا های روشن دل بسته بودند. لحظه ها نیز آبستن زایش و تولد است. مژده بخشایی رها یی از پس قله ها، قامت خواهد افراشت... قوماندان این دسته در گوشه های خلوت، مدت ها خاموش می ماند و دور از انظار یاران، غرق خیالات غم اندود می شود.

در آمدآمد لحظه های انتظار سرما ی زمستان می شکست. برف ها درگرمای آفتاب می سوخت. قامت سنگ های استوار سر میکشید ورگه های سرمه رنگ در اندام کوه هاکشیده میشدند. چادر سپید در تن سنگها پاره پاره بود و آب های یخ بسته باز جاری میشدند.

سر دسته گوشها را به صدای رادیو میدوزد. آواز آشنایی طنین انداز است. او به این آواز در نخستین روز های زمستان نیز گوش فرا داده بود. این صدای اطمینان

آفرین درآز شب سرنوشت ساز وطن ومردم ما مژده ی نجات بخشای شکستن آخرین حلقه های زنجیر استبداد و آدمکشی امین و امنیان رادر فضای ماتم زده ی کشور منعکس ساخته بود. و حالا باز پیام دلنشین دیگری دارد، سر دسته گوش به آوازاست وهر بار که این صدای آشنا را میشنود گوشه خلوتی میجوید و زمان هوشیارانه بهاین امر واقف است وخورسند.

فصل بهار فرا رسیده است، در خمان، سبز پنه پوش قامت کشیده اند ولحظه هایی درنگ میگذرند درمیان این دسته که زمان جزء آنست وضع عجیب حکمفر ماست. قوماندان اندیشه یی بسر دارد و زمان با عده یی از قشلاقی های خویش منتظر فرصت نشسته اند. تلاش خاموشانه و محسوس در جریان است...

• • •

ولسوالی ده سبز در پهنای زمین حاصل خیز وهموار با نبض های پر تحرکی می طپد. در چهار سمت این محلهٔ سبز از فاصله های دور ونزدیک کوه های بلند قامت افراشته اند. راه های پر از خاک در نشیب و فراز این ولسوالی تاده یحیی ادامه دارد و موقع عبور وسایط، پردهٔ ضخیم گرد و غبار، در فضای جاده عابر جا میماند. انبوه درختان پر برگ و تاکستان های سبز در عمق قریه ها و دهات این محله. از بلندی ها، نمای چشم گیرو ذوق آفرینی دارد. ده یحیی سرسبز و شاداب قد کشیده وقلعهٔ بلند در احاطهٔ برج های مخروطی باخاطره های زنده و گویا، در آغوش دهکده نمودار است.

اینجا قرارگاه کندک قومی ده یحیی است، مردی باقامت بلند شانه های پهن وسینهٔ ستبر در حالیکه لباس نظامی برتن وسلاح بردوش دارد ساکت و آرام ایستاده است. مدال دشه پوخی خدمت به خاطره روی سینه او میدرخشد.

این همان عابریست که در ناگزیری های خویش هنگام عبور از تاریکی، تا فاصله های عمیق در دل بیراهه گام نهاده، بر زمین شوره زار ونفرین شده یی درانتظار نشسته و اینک آن بانگ رسای دعوت را لبیک گویان، شام تیرهٔ زندگی را خودبسر آورده، لبخند پیروزی و سعادت بر لب دارد.

حالا زمان با خانواده خویش در همین دهکدهٔ زیبای ده یحیی سکونت دارد، او خورد ضابط است. قوماندان ویاران دیگر وی نیز همگی به دولت وانقلاب روی آورده اند. صلح و صفای زندگی در دیده گانش میدرخشد. دلهره و اضطرابی ندارد.

شب خاموش و آرام ازدامن قریه پا میکشد. سپیده ها چون خیل کبوتران بیشمار از بلندی های دور برخاسته اند در بستر سبز تاکستان های پربار در پای نور جاریست. زورق پیام آور صبا در دل رودبار آسمان شناورست. مردی سلاح بر دوش ازکوچه ها میگذرد. او جانب قلعه روانست، حرکات دزدانه وهراسان ندارد و تنها موجود زنده یی نیست که از کالبد نیمه جان دهکده یی بیرون شده باشد. آواز پای یاران دیگر نیز در کوچه ها می پیچد. زندگی در رگهای محله جاریست. هیچ عابری دل شکسته و پریشان نمی نماید، دربان مسلح قلعه، زمان را که این چنین مردانه گام میگذارد، سلام میگوید، وسلاح خویش را به وی می سپارد تا خستگی شبانه را خود بسر آرد. مدتی بعددر روشنی روز بسرکی کتاب در دست جانب مکتب روانست، موقع گذشتن از برابر قرار گاه، پدر را شادمانه می نگرد. خنده یی کودکانه بر لبانش نقش بسته است. زمان غرق تماشای اوچشم به فردا ها دارد.

عبدالله

مقاومت دربرابر نظامیگران پاکستان

اعمال وحشیانهٔ رژیم ضیاءالحق

بگزارش تاس عساکر اردوی پاکستان مصروف جنگهای شدید در مناطق قبایل غیورهٔ پشتون ها در خیبرمیباشند. عساکر پاکستانی راه های میان محلات پرنفوس مناطق آزاد پشتون هارامسدود نموده اند.

آب آشامیدنی یکتعداد از محلات پرنفوس قبایل پشتون در خیبر قطع شده، برق و مخابرات تیلفونی مختل گردیده است.

عساکر پاکستانی مردم محلی رابه قتل رسانیده منازل قبایل رزمنده را خاصتاً در منطقه آزاد خیبر تخریب مینمایند.

رژیم نظامی پاکستان از عناصر ضدانقلاب افغانی در جنگ علیه قبایل دلیر پشتون استفاده نموده و توسط آنها راه های میان مناطق پرنفوس پشتون ها را قطع مینمایند و علیه رهبران و موسفیدان قبایل که از سیاست حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان جانبداری مینمایند به اقدامات تروریستی دست میزنند.

دسته های عناصر ضد انقلاب افغانی به منطقه خیبر فرستاده شده اند تاراه بین محلات قبایل پشتون هارا با مرز افغانستان قطع کنند.

پشتون های غیور قبایلی بر ضد رژیم نظامی پاکستان و عناصرضد انقلاب افغانی قیام کرده اند.

پشتون ها خواهان عادی شدن مناسبات میان پاکستان و افغانستان، برسمیت شناختن حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از جانب رژیم اسلام آباد میباشند. رهبران یکتعداد قبایل آزاد خواستار پایان بخشیدن به فعالیتهای عناصر ضد انقلاب افغانی اند که درمنطقه پشتون ها جا داده شده اند.

اقدامات عساکر پاکستان و همچنان باندیت های ضد افغانی علیه قبایل پشتون تخطی صریح ازحقوق بشر، وضع حقوقی مناطق قبایلی، عنعنات و رسوم پشتون ها محسوب میگردد. این اقدامات به‌معنی یک سیاست تروریزم دولتی است.

در گزارش تاس آمده است در نتیجه عملیات گسترده عساکر رژیم نظامی پاکستان که محلات زیاد پشتون هارا تخریب نموده اند، عده کثیری ازساکنین آن مناطق متحمل خسارات هنگفت گردیده اند.

قحطی در نتیجه محاصره مناطق پرنفوس پشتون در آن جا زیاد شده و اقدامات باصطلاح پاکسازی که از جانب مقامات آن رژیم رویدست گرفته شده خاصتاً محاصره منطقه آزاد خیبر باچارصد هزار نفوس آن حتی به مقایسه ستمگری های دوران استعمار هم وحشیانه تر است.

این اقدامات رژیم نظامی پاکستان نه تنها نفرت و انزجار مردم قبایلی بلکه احزاب مخالف و سازمان های اجتماعی پاکستان را علیه آن رژیم برانگیخته است.

در گزارشات گفته شده که از اسلحه و مهمات ساخت ایالات متحده امریکا علیه قبایل آزاد پشتون استفاده شده است در جمله این سلاح جنگ افزارهای که از مصر و کشورهای دیگر عربی به پاکستان آورده شده نیز به جشم میخورد.

باختر

همبستگی برادرانه باقبایل آزاد پشتون

قبایل دلیر پشتون طی تاریخ طولانی خویش در برابر اشغالگران و متهاجمین مختلف به پا خاسته، همواره از حقوق آزادیها، عنعنات و رسوم ملی خویش به‌قیمت جان و مال شان دلیرانه دفاع نموده اند.

با مراجعه به تاریخ قبایل غیور بوضاحت میتوان دریافت که‌هیچ یک‌از استیلاگران جبار تاریخ با توسل به هیچ شیوهٔ نتوانسته اند که نظم استعمارگرانهٔ شانرا بر قبایل آزاد تحمیل نموده، موازین قبول شده عنعنوی و خودمختاری آنها را از هم متلاشی ساخته و حقوق وآزادیهای آنانرا منکوب نماید.

رژیم نظامیگر اسلام آباد این مجری امیال شوم واستیلاگرانه امپریالیزم امریکا اولین نیروی‌متهاجم وتجاوزگری نیست که بر قبایل آزاد و دلیر پشتون خلاف نورمها و موازین‌قبول شده عنعنوی زندگی قبایل و معاهدات معینه موجود، لشکرکشی کرده است.

تاریخ قبایل مشحون از وحدت و یکپارچگی و مبارزات دلیرانه علیه استیلاگران‌مقدونی، چنگیزی مغولی، افشاری و برتانوی این امر را به‌اثبات رسانیده است که هیچگاه قبایل دلیر در برابر پامال شدن حقوق و آزادیهای شان سر تسلیم فرود نیاورده اند. هیچ نیرویی تاکنون نتوانسته کلمه پرافتخار (آزاد) را از کنار نام قبایل به غارت برد.

اسناد و شواهد معتبر تاریخی معاصر گواه براین امر است که متهاجمین واستیلاگران انگلیس و میراث خواران آن از همان آغاز تجزیه نیم قاره هند با هراس از عزم متین، غیرت، شهامت و عشق بی پایان قبایل به آزادی و سرزمین های مقدس شان پیوسته ازبرخورد با قبایل احتراز ورزیده و هیچگاه نتوانسته موقف آزاد و مستقل عنعنوی آنانرا نادیده بگیرند واز این مناطق بحیث پایگاه های تحقق پلانهای استیلاگرانهٔ خویش استفاده بعمل آورند. اما رژیم نظامیگر اسلام آباد اینبار بی آنکه بتاریخ قبایل مراجعه نموده و ازشکستهای‌افتضاح آمیز پیهم استیلاگران‌ومتجاوزین‌مختلف ادوارتاریخ‌و تلاشهای‌مشابه نظامیگران‌پاکستانی‌درگذشته‌درس عبرت گرفته‌باشد، با اتکاو تشویق امپریالیزم امریکا تلاش میورزد تابا توسل به زور سرنیزه وقوه، آزادیهای قبایل رابه‌غارت برد، نظم زندگی صلح آمیز مناطق قبایلی را برهم زند و رسوم ملی و عنعنات پسندیدهٔ آنانرا لگدمال نماید. تا باشد که مقاومت قبایل را بمثابهٔ مانع علیه تأسیس پایگاه های تجاوزگر نظامی و صدور باند های ضد انقلاب به جمهوری دموکراتیک افغانستان سرکوب نماید.

بدون در نظر داشت فیصله های ده ها جرگه در مناطق مختلف قبایلی وخواست صلحجویانه و شریفانه قبایل مبنی برجلوگیری از مبدل شدن سرزمین های شان بمراکز توطئه های مرگبار امپریالیزم امریکا و سی.آی.ای، قطع تجاوزات علیه برادران تاریخی شان در جمهوری دموکراتیک افغانستان وحفظ فضای صلح و امنیت درمناطق قبایلی رژیم نظامیگر اسلام آباد سعی ورزید تا زیر نام به اصطلاح‌مبارزه علیه موادمخدره و به‌اصطلاح جمع آوری سلاح ها نیکه گویا از جانب جمهوری دموکراتیک افغانستان در اختیار قبایل گذاشته است، تجاوزات خویش را بر قبایل درذهنیت عامه جهانی توجیه نماید.

مقامات رژیم نظامیگر اسلام آباد و باداران امپریالستی آنان به این امر توجه ننموده اند که مردمان صلح دوست منطقه وجهان به نیکوئی میدانند که‌محور سیاست نظامیگرانه اسلام آباد را در مناطق قبایل استحکام و گسترش مواضع توسعه طلبانه ارتجاع وامپریالیزم در راس امپریالیزم ایالات متحده امریکا تشکیل میدهد. کرونولوژی حوادث بیانگر آنست که تهاجم اخیر نظامیگران پاکستانی بر قبایل آزاد خیبر ایجنسی ووزیرستان جنوبی یکی از گسترده ترین تهاجمات در نوع خود بوده که دراثر آن ساحه وسیعی ازمنازل مسکونی، قصبات، مساجد واماکن مقدسه تخریب وتعداد زیادی از زنان، اطفال، بزرگسالان به خاک و خون کشیده شده اند.

اعلامیهٔ سازمان صلح، همبستگی ودوستی ج.د.ا

وسایل اطلاعات جمعی پاکستانی و حامیان بین المللی آنها نیز زود به وحشیگریهای قوای‌نظامی رژیم اسلام آباد در مناطق قبایل آزاد اعتراف نموده اند.

آنعده‌از ملیشا های پشتون که‌از رویارویی با برادران قبایلی افریدی و شینواری شان اباورزیدند به‌رگبار مسلسل بسته شدند. این‌امر موجب گردید که تعدادزیادی از ملیشا های پشتون صفوف قوتهای نظامی پاکستانی راترک گفته یکجا بابرادران‌دلیر افریدی و شینواری به‌مقاومت مسلحانه علیه تجاوزگران‌رژیم نظامی اسلام آباد بپردازند.

دراثر این برخورد ظالمانه وتجاوزکارانه رژیم اسلام‌آباد علیه قبایل دلیرپشتون راه‌هرنوع مذاکره میان سران‌قبایل آزاد و مقامات تجاوزگر نظامی اسلام آباد مسدود گردیده است. برخورد هاوخونریزی های شدید ناشی از این عمل تجاوزگرانه وغیر مسوولانه حکومت نظامی پاکستان که بدون رعایت معاهدات و موافقات معتبر پیرامون آزادی‌مناطق قبایلی صورت پذیرفته است موجبات نگرانی عمیق مردم ما، مردمان منطقه و جهان را فراهم‌آورده است. مردم افغانستان در حالیکه شدیداً مراتب خشم وانزجار خویش را درزمینه طی‌محافل، گردهمائی‌ها، میتنگ ها و مصوبات ابراز نموده وهرگزدر برابرسرکوب برادران قبایل آزاد بی‌تفاوت باقی نخواهد ماند. دوستی، برادری و همبستگی عنعنوی و تاریخی مردم افغانستان باقبایل آزاد و اتحاد نظر آنها برای حفظ صلح، آزادی و افتخارات ملی در منطقه به این امر صحه میگذارد که آنها در برابر سرنوشت همدیگر بی طرف باقی مانده نمیتوانند زیرا تمرکز قوتهای نظامی درامتداد مناطق قبایل و تشنج در این مناطق، لشکرکشی بی سابقه و سرکوب دلیران خیبر بطور کاملاطبیعی به‌ناآرامی ها دامن زده و اوضاع را در منطقه واطراف جمهوری دموکراتیک افغانستان بغرنج و متشنج ترمیسازد.

سازمان صلح، همبستگی و دوستی جمهوری دموکراتیک افغانستان در حالیکه همبستگی برادرانه خویش را بامبارزات برحق و عادلانه‌قبایل غیور ابراز میدارد اعلام مینماید که اگر حکومت پاکستان واقعاً به بهبود اوضاع متشنج منطقه علاقمند است باید هر چه‌زودتر قوت های نظامی خود را ازمناطق قبایلی بیرون کشیده و به محاصره قبایل دلیر افریدی و شینواری خاتمه داده، بر طبق خواسته های برحق قبایل صلح‌دوست کمپ های تربیت نظامی باندیت های ضد انقلابی را از سرزمین قبایل برچیده و تلاش نورزد تا در سرزمین آنها قاتلین و آدمکشان حرفوی رامطابق به اراده امپریالیزم امریکا به قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان صادر نماید.

پیروزی قبایل‌دلیردرمبارزه علیه ظلم و بیدادگری در حقانیت راه آنها نهفته است.

بازدید دوستانه

صدام حسین رئیس‌جمهور عراق به تاریخ ۱۶ دسامبر جهت بازدید رسمی و دوستانه از اتحاد شوروی‌وارد ماسکو گردید. در همین روز میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی باوی ملاقات نموده و طرفین پیرامون موضوعات مورد علاقه، روابط دوجانبه اتحاد شوروی - عراق، بعضی پروبلم های حاد بین‌المللی منجمله اوضاع‌شرق میانه، مبارزات خلق های کشور های عربی به خاطر تحکیم استقلال، آزادی و حاکمیت ملی شان و تامین صلح عادلانه و پایدار در این منطقه جهان بحث ومذاکره نمودند. به گزارش تاس از ماسکو ملاقات در فضای دوستانه و حسن تفاهم صورت گرفت. همچنان طی این سفر، صدام حسین رئیس جمهور عراق با اندری گرومیکو صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی ملاقات دوستانه انجام داده و هر دو جانب به تحکیم روابط میان شوروی و عراق به نفع خلق های دو کشور و تحکیم‌روابط متقابلاً سودمند میان حکومات دو کشور، تاکید بعمل آوردند.

جانب شوروی و عراق مشترکاً نگرانی شانرا از اوضاع وخیم شرق میانه که ناشی از سیاست های جنگ طلبانه و ماجراجویانه امپریالیزم و صهیونیزم است ابراز داشته و تاکید بعمل آوردند که یگانه‌راه حل اصولی برای پروبلم شرق میانه از طریق خروج کامل قوای اشغالگر اسرائیل از تمام سرزمین های اعراب که درسال ۱۹۶۷ غصب گردیده و به رسمیت شناختن حقوق حقه خلق فلسطین منجمله حق خود ارادیت و ایجاد دولت مستقل فلسطینی، میسر است.

صدام حسین ضمن صحبت با رهبران اتحاد شوروی رضایتمندی کامل خود را از موضع اصولی و خدشه ناپذیر همبستگی وهمکاری اتحاد شوروی با خلق های کشور های عربی و بخصوص مبارزه عادلانه خلق فلسطین ابراز داشت.

قطع آزمایشات هسته یی

اخیراً اجلاس اسامبله عمومی سازمان ملل متحد قطعنامهٔ را به تصویب رسانید که در آن قطع تمام آزمایشات و انفجارات هسته یی تقاضا گردیده است.

این قطعنامه مورد تایید اکثریت قاطع کشور های عضو سازمان ملل متحد به استثنای ایالات متحده امریکا و چند کشور محدود متحد آن، قرار گرفته است.

از جانب دیگر اعلامیه مشترک شش کشور ارجنتاین، تانزانیا، سویدن، یونان، هندو مکسیکو که اخیراً منتشر گردیده است حاوی پیشنهاد های مشخصی در زمینه راه و طرق دستیابی به قطع کامل انفجارات و آزمایشات هسته یی می باشد. اعلامیه هفت کشور عضو اتحادیه همکاری منطقوی جنوب آسیا که اخیراً در داکه به نشر رسید نیز خواستار قطع آزمایشات هسته یی گردیده است. این امر بیانگر آنست که اکثریت حکومات و خلق های کشور های مختلف جهان خواستار قطع فوری تمام آزمایشات و انفجارات هسته یی می باشند.

بدون‌شک‌تطبیق‌قطعنامه‌سازمان ملل متحد دراین زمینه از یکسو تولید و اختراع انواع جدید تسلیحات‌مرگبار هسته یی را غیر ممکن میسازد و از جانب دیگر جلو عصری سازی تسلیحات موجود هسته یی را می گیرد. این قطعنامه به ابتکار و پیشنهاد اتحاد شوروی مورد رای گیری قرار گرفت. جانب‌اتحاد شوروی قبلاً تصمیم یکجانبه خود رامبنی بر قطع تمام انفجارات و آزمایشات هسته یی از تاریخ ۶ اگست ۱۹۸۵ الی اول جنوری ۱۹۸۶ اعلام نموده است.

تقویت همکاریهای سودمند

اجلاس سران حکومات ده کشور عضو شورای تعاون متقابل اقتصادی یعنی اتحاد شوروی، بلغاریا، کوبا، هنگری، منگولیا، پولند، جمهوری دموکراتیک آلمان، چکوسلواکیا، رومانیا و ویتنام به تاریخ ۱۷ دسامبر در ماسکو گشایش یافت. در این اجلاس برنامه جامع و وسیع رشد و انکشاف علمی - تخنیکی و هماهنگ ساختن مساعی مشترک کشور های عضو شورای تعاون متقابل اقتصادی جهت تحقق آن تا سال دوهزار مورد بحث وارزیابی قرار گرفت.

قرار است در آینده نزدیک همکاری های مثمر و سودمند در عرصه های الکترونیک، اتوماتیک سازی بخش های تولیدی، تکنالوژی مواد جدید، انرژی هسته یی و غیره ساحات، میان کشورهای عضو گسترش یابد. کشور های سوسیالیستی در همکاری متقابل و مساعی مشترک شان به دست آورد های بزرگی در عرصه های اقتصادی به‌سود مردمان کشور های شان و به‌خاطر ارتقای سطح زندگی و معیشت زحمتکشان نایل گردیده اند.

در سال های آینده این کشور ها مساعی بیشترشان را غرض استفاده از آخرین دست آورد های ساینس و تکنالوژی جهت انتانسیف سازی اقتصاد وافزایش موثریت اقتصادی شان به خرج خواهند داد. همچنان تطبیق برنامه وسیع رشد علمی - تخنیکی زمینه امکانات کمک‌های همه جانبه وگسترده تر را به کشور های در حال رشد که علیه عقب ماندگی، فقر و بد بختی می رزمند فراهم خواهد ساخت.

تجلیل از روز قهرمانان

به ابتکار سازمان همبستگی خلق های آسیا - افریقا به تاریخ ۱۶ دسامبر از روز مبارزین و قهرمانان افریقای جنوبی که علیه رژیم منفور اپارتاید و نژادپرست پریتوریا می رزمند تجلیل بعمل آمد.

در کشور های مختلف جهان روز قهرمانان افریقای جنوبی به مثابه روز همبستگی با مبارزات وطن‌پرستان افریقای جنوبی و جنبش گسترده ضد اپارتاید در این کشور تجلیل می گردد. امسال نیز مانند گذشته از این روز یاد بود و بزرگداشت از خاطره تمام مبارزین و قهرمانانیکه جانشانرا به خاطر احیای آزادی و حقوق مدنی شان در زیر چکمه های رژیم خونخوار و حیوان صفت افریقای جنوبی از دست داده اند، تجلیل بعمل آمد. امسال بزرگداشت از این روز در حالی صورت می گیرد که اوضاع درافریقای جنوبی به وخامت هر چه بیشتر گراییده و این کشور در اثر سیاست های ضد انسانی مقامات نژادپرست پریتوریا در آستانه یک جنگ تمام‌عیار داخلی قرار گرفته است. نژادپرستان افریقای جنوبی که از حمایت نیرو های امپریالیستی برخوردار اند با گذشت هر روز مواضع هر چه خصمانه تر را غرض سرکوب سیاه پوستان و جنبش ضد اپارتاید اختیار می کنند. صرف طی ماه های اخیربیش از دو هزار سیاه پوست توسط مقامات پریتوریا به قتل رسیده اند. طی هفته گذشته نژادپرستان افریقای جنوبی حکم اعدام شش تن از مبارزین جنبش ضد اپارتاید را صادر کردند. اعمال ننگین رژیم نفرت و انزجار جهانیان را بر انگیخته است. رژیم ضد انسانی و منفور نژادپرستان نمی توانند از طریق ارتکاب جنایات نابخشودنی به سیطرهٔ خود ادامه دهد. دیر یا زود نژادپرستان به سزای اعمال شان خواهند رسید.



طرحهای تجاوزگرانه

مداخلات بیشرمانه‌ایالات متحده امریکا در امور داخلی نیکاراگوا ادامه دارد. دانیل اورتیگا رهبر ساندنیست ها ضمن مصاحبهٔ باروزنامه لاس انجلس تایمز اظهار داشت که مقامات ایالات متحده امریکا سرگرم تدارک یک حمله و تجاوز مسلحانه برنیکاراگوا می باشند و وی علاوه نمود که کمک های‌جدید نظامی واشنگتن به باند های سوموزایی ضد انقلاب نیکاراگوا مبین این امر است.

دانیل اورتیگا تلاشهای مذبوحانه ادارهٔ ریگن را که می خواهد از طریق توسل به‌زور ارادهٔ خودرابراینکشور دیکته کند محکوم به‌شکست دانسته‌وآنراشدیداتقبیح نمود. مردم نیکاراگوا تجاوزگران را شکست خواهند داد و هیچگاهی نیکاراگوا به «گرینادای‌دوم» مبدل نخواهد شد.

خالد حافظ

اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث

در اجلاس شورای تعاون متقابل اقتصادی

مذاکرات دوستانه

رفیق میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پریروز در کرملین با رؤسای هیأت های حکومات و منشی های کمیته‌های مرکزی احزاب برادر که در چهل و یکمین اجلاس (خاص) شورای تعاون متقابل اقتصادی در مسکو شرکت ورزیده اند مذاکراتی انجام داد.

رفیق میخائیل گرباچف در حالیکه شرکت کنندگان را صمیمانه شادباش میگفت کار مشترک آنان را بخاطر تسوید یک برنامه جامع برای انکشاف علمی وتخنیکی کشور های عضو آن شورا تا سال (۲۰۰۰) عالی ارزیابی کرد. رفیق میخائیل گرباچف افزود: سیستم سوسیالیستی امکانات فراوانی را برای بلند بردن سطح انقلاب علمی و تکنالوژی فراهم میسازد، کاملترین استفاده ممکن از ثمرات سوسیالیزم تقویت سریع توانمندی اقتصادی، اجتماعی و معنوی کشورهای ما، استقلال تکنالوژیک آنها و آسیب ناپذیری شان در برابر فشار و امتیاز طلبی امپریالیزم، به پیروزی های ما درهمین ساحه بستگی دارد. راه برای رسیدن به این هدف از طریق یک چرخش قوی به سوی تشدید تولید اجتماعی برپایه آخرین دستاوردهای علمی و تکنالوژیکی، انجام مساعی و اقدامات نزدیک مشترک در ساحات کلیدی همکاری نهفته است.

منافع کشور های سوسیالیستی در مبارزه برای صلح عادلانه و دوامدار در زمینه با خواسته های همه خلقهای جهان مطابقت دارد. در این ارتباط بر اهمیت یک مبارزه پیگیر و هدفمند برای خلع سلاح و جلوگیری از نظامی شدن کیهان، تقویت امنیت بین المللی درسراسر جهان برای تطبیق عملی فقرات بیانیه شوروی و امریکا روی نتایج مذاکرات سران دو کشور در ژنیو، تایید به عمل می آید.

ابراز اطمینان شد که سیاست هماهنگ خارجی کشور های برادر سوسیالیستی بحیث یک عامل سازنده و مطمین در سیاست بین‌المللی نقش خود را ایفاء مینماید.

این مذاکرات در یک فضای صمیمی با روحیه تفاهم کاملاً متقابل پایان یافت.

برنامه رشد علمی-تخنیکی

برنامه جامع مترقی علمی و تخنیکی کشور های عضو شورای تعاون متقابل اقتصادی تاسال ۲۰۰۰ ر تهدابی برای اقدامات مشخص کشورهای جامعهٔ سوسیالیستی جهت ایجاد و استفاده اصولی از وسایل و تکنالوژی جدید در اقتصاد ملی خواهد بود، اهمیت این تصمیم سیاسی خاصتاً امروز عظیم است.

این مطلب را رفیق نیکولای ریژکوف عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ورئیس شورای وزیران اتحاد شوروی طی بیانیهٔ پریروزدر چهل ویکمین نشست خاص شورای متقابل اقتصادی به سطح روسای حکومات کشور های عضو در مسکو اظهار داشته است. رئیس هیأت اتحاد شوروی دراین نشست گفت: خصوصیت اصولی عصرماآنست که اکثر کشور ها عملاً امکانات برای رشد کشور ها را از دست داده اندوهرآنجا ئیکه امروز هم وجود داشته باشد، باید بازیاد ترین تلاش ممکن از آن امکانات استفاده موثر نمایند.

از ینرو زندگی خود بر کشور های جامعه سوسیالیستی وظیفه مشترک تشدید اساسی تولیدات اجتماعی را گذاشته است.

رفیق ریژکوف علاوه کرد: که عمده ترین راه حل آن استفاده از دستاورد های انقلاب علمی وتخنیکی میباشد.

رفیق نیکولای ریژکوف به جلسه از کار در اتحاد شوروی در ساحه بایوتکنالوژی معلومات داد. وی خاصتاً یاد آور شد که تولید تقریباً دو صدو پنجاه نوع محصولات، اصولا جدید در دوره دوازدهمین پلان پنجساله با استفاده از بایو تکنالوژی آغاز خواهد شد.

رفیق نیکولای ریژکوف در پایان افزود: که تمام بشریت نتایج انقلاب علمی و تخنیکی در کشور های سوسیالیستی و سرمایه داری را مقایسه نموده و مینمایند، بشریت قبلاً آگاهی دارد که ما برنامه ساختمان صلح آمیز بخاطر انسان را طرح ریزی نموده ایم، تا جائیکه به اتحادشوروی ارتباط می گیرد این کشورجداً وپیگیرانه طرفدار صرف مساعی کشور های مختلف برای استفاده از پیشرفت های انقلابی در علم و تکنالوژی به نفع صلح و ترقی بشریت و به نفع تمام خلق ها باقی خواهد ماند.

افزایش باز-دهی تولید

نخستین روز چهل ویکمین اجلاس خاص شورای تعاون متقابل اقتصادی پریروز در مسکو پایان یافت.

این اجلاس مطابق به توافق حاصله در سطح سران حکومات کشورهای عضودایر گردیده است.

شرکت کنندگان این اجلاس خاطر نشان ساخته‌اند که کشور های جامعه سوسیالیستی وظایف عمده اجتماعی و اقتصادی، تشدید و افزایش باز دهی تولید سوسیالیستی رابا انکشاف و تعمیق همکاری متقابل پیوند نزدیک میدهند.

باختر

پایان مذاکرات

مذاکرات اتحاد شوروی و عراق دیروز درقصر کریملین خاتمه یافت، درمذاکرات مذکور ازجانب اتحاد شوروی این شخصیتها اشتراک ورزیده بودند

رفیق اندری گرومیکو عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی و صدر هیأت رئیسه شورایعالی اتحاد شوروی، رفیق ادوارد شیواردنادزی، عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، رفیق سرگی سوکولوف عضو علی‌البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی و وزیر دفاع اتحاد شوروی و بعضی شخصیتهای دیگر.

از جانب عراق صدام‌حسین رئیس جمهور آنکشور و سیاستمداران همسفر در مذاکرات اشتراک داشتند.

آژانس تاس گزارش می دهد طی مذاکرات پیرامون اوضاع بین المللی تبادل نظر صورت گرفته تاکید به عمل آمد که اتحاد شوروی درجهت جلوگیری از جنگ ذروی و جلوگیری از نظامی شدن کیهان قدمهای سازنده و وسیع بر داشته است.

در زمینه اوضاع بین‌المللی هر دو جانب از ضرورت احترام به حقوق حاکمیت کشور ها و حق عدم مداخله در امور شان یاد آور شده علیه تلاشها برای تحمیل راه و روش های بیگانه بالای کشور ها و مردمان دیگر قاطعانه ابراز مخالفت نمودند.

رئیس جمهور عراق سیاست کشور خود را پیرامون موضوعات مربوط به جنگ ایران، عراق بیان داشته بر مساعی کشورش در جهت حل و فصل آن منازعه از طریق مسالمت آمیز و از راه مذاکرات تاکید ورزید.

رفیق اندری گرومیکو صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، ماهیت اصولی موقف اتحادشوروی را در رابطه با جانبداری از ختم فوری جنگ ایران، عراق و قرار دادن آن به مجرای حل سیاسی، مورد تائید قرار داد.

موصوف افزود واضح است که نیرو های امپریالیستی ازین تشنج که در حوزه خلیج پیدا شده، بحیث بهانه برای افزایش حضور نظامی و سیاسی خوددرآنجا استفاده‌مینمایند.

در مذاکرات همچنان تاکید به عمل آمد که همچو اقدامات که حاکمیت و آزادی کشور های ساحلی را به خاطره میافگند، قابل قبول نیست.

هر دو جانب ابراز اطمینان کردندکه‌ابعاد همکاری میان اتحاد شوروی و عراق به نفع مردمان هر دو کشور وسعت بیشتر خواهدیافت. مذاکرات در فضای دوستانه پایان یافت.

باختر

تلاش بخاطر مسموم ساختن روابط

سفارت شوروی در انگلستان نسبت عمل اخیر علیه اداره مطبوعاتی آنسفارت به وزارت امور خارجه انگلستان احتجاج نموده است.

شب ۱۴ ماه دسمبر چند نفر ناشناس بدون اجازه به دروازه اداره مجله هفتگی اتحاد شوروی داخل شده الحاقیه تعمیر عمارت را جستجو و تلاشی نمودند. و صندوق های اسناد راباز نمودند، مکاتب و آنچه‌در آرشیف وجود داشت جستجو کردند.

یک نطاق سفارت اتحاد شوروی پریروز در لندن طی کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت ماهیت این واقعه این سوال را ایجاب میکند که شاید عمل مذکور در لندن جنایت عادی پنداشته شود موصوف افزود بعضی محافل در آن شهر میکوشند فضای روابط میان دو کشور را مسموم سازند، بدانوسیله از مرکز کارکنان مجله هفتگی اتحادشوروی که‌وظیفه مهم شان بهبود تفاهم‌متقابل میان مردمان دو کشور می باشد قبلاً نامه های بی‌امضاء و تلیفون های رسیده و با اعمال خشونت تهدیدشده‌اند.

گزارش همچنان حاکیست سفارت اتحاد شوروی در همین رابطه این ضرورت را خاطر نشان ساخته است که مقامات انگلستان باید تدابیر موثر اتخاذ نمایند تا همچو اعمال علیه ارگان‌های سفارت شوروی در لندن خاتمه یابد.

باختر

خانه‌بدوشان امریکایی

در ایالات متحده امریکا یعنی بزرگترین کشور سرمایه داری جهان، ملیون ها انسان به پروبلمهای حاد اجتماعی از قبیل بی خانگی، بیکاری، فقر و گرسنگی دست و گریبان اند.

عکسها: خانم خانه‌بدوشی که در جاده های نیویارک شب و روز را سپری میکند.

- خانه و وسایل زندگی این مرد امریکایی را همین کراچی دستی احتوا می‌کند. عکاسی از تاس و ا.پی.ن

مرحلهٔ مهمی در رشد جامعه شوروی

۲۷

حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب حاکم اتحاد شوروی، در طول بیش از ۸۰ سال تاریخ خود، بیست و هفتمین بار است که عالی ترین مقام رهبری خودرا دعوت می کند. پلینوم اپریل کمیته مرکزی حزب در فواصل میان کنگره های آن که چندی پیش برگزار گردید، تاریخ گشایش کنگره را در ۲۵ فبروری سال ۱۹۸٦ معین کرد، آجندا کنگره را تصویب نمود، نورم نمایندگی کمونیست ها (یک نماینده از ۳٦۷۰ عضو حزب) رامقرر داشت، موعد برگزاری جلسات گزارش دهی -انتخاباتی پیش از کنگره و مسایلی را تعیین و نام برد که می بایست در جلسات و کنفرانس های حزبی مورد بررسی همه‌جانبه و دقیق قرار گیرند.

در گزارش راجع به‌دعوت کنگره نوبتی و وظایف مربوط به تدارک و برگزاری آن، که بوسیله رفیق میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب ایراد گردید، دراینباره اظهار اطمینان شده است که جلسه قریب الوقوع کمونیست های شوروی، بدون تردید مرحله مهمی در رشد کشور بشمار خواهد رفت. تجربه گواه بر آن است که نه تنها مردم شوروی، دوستان و متحدان آن ازکشورهای سوسیالیستی بلکه در عین‌حال دشمنان ایدیولوژیکی سوسیالیسم در کشور های سرمایه‌داری نیز بادقت کار کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی را دنبال می‌نمایند.

مسلم است که وضع، نیرو و تاثیر خود حزب کمونیست اتحاد شوروی، نخستین و اساسی ترین شرط بشمار میرود. این حزب که بوسیله لنین تاسیس گردید، برای نخستین بار درجهان خلق های یک ششم کره زمین، ساکن روسیه تزاری‌سابق را به پیروزی انقلاب سوسیالیستی رسانید. در اتحاد شوروی تحت رهبری حزب جامعه‌سوسیالیستی رشد یافته ایجاد شده است. حزب کمونیست اتحادشوروی در پیشاپیش جنبش‌کمونیستی معاصر بین المللی قرارداشت که درحال حاضر بیش از ۸۰میلیون کمونیست را در بر می گیرد که به بانفوذ ترین نیروی سیاره مامبدل گردیده است.

شکل و مضمون خود کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز حایزاهمیت می باشد. کنگره یعنی ارگان عالی و کامل الاختیار حزب وبیانگر اراده، اهداف و وظایف آن. به موجب اساسنامه، کنگره حداقل هرپنجسال یکبارتشکیل‌و بر اساس‌دموکراسی وسیع وضمن علنی بودن کامل مسایل مورد مذاکره، برگزار می گردد. نمایندگان کنگره تمام سازمانهای حزبی را بدون استثنا مجسم می کنند، آنها با رای گیری مخفی انتخاب می شوند. ضمناً هر یک از کمونیست ها از حق و امکان بیان نه تنها عقیده خود درجریان جلسات گزارش دهی - انتخاباتی پیش از کنگره برخوردار است، بلکه درعین حال می توانند در باره مساله مورد نگرانی اش مستقیماً به کنگره مراجعه نمایند. تصمیمات کنگره برای کلیه سازمانهای حزبی، اعضاء و اعضای آزمایشی حزب لازم الاجرا می باشند. اهمیت خاص آنها در آنست، که این تصمیمات از طرف هیچ مقامی به جز از کنگره بعدی حزب نمی توانند لغو و یا عوض شوند.

و.ای. لنین ضمن ایجاد مفهوم کنگره حزب مارکسیستی - لنینیستی آنرا مانند عالی ترین و وسیع ترین هیات حزبی تعیین کرد. بگفته لنین کنگره می تواند منظره اوضاع واقعی، منظره عقاید، روحیات و برنامه های حزب را ((از لحاظ دقت، همه جانبه و وسیع بودن به طور مجلل و غنی وموثق به طور واحد منعکس نماید ...)).

در نتیجه این اوضاع و احوال، هر یك از عالی ترین ارگانهای رهبری که حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزار کرده است، به مرحله نوینی در خود حزب و مرحله مهمی در رشد آن مبدل گردیده است.

در کنگره های حزب‌کمونیست اتحاد شوروی مسایل مبرم سیاسی، استراتیژیکی وتاکتیکی حزب‌کار تشکیلاتی وایدیولوژیکی آن حل و فصل می شوند.

کنگره گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمیسیون نظارت مرکزی را استماع و مورد مذاکره قرار خواهد داد و ارگانهای مرکزی حزب‌راانتخاب خواهد نمود.

دیمیتری گایماکف
مفسر آ.پ.ان

استقبال از مارش صلح

شرکت کنندگان مارش صلح در امریکای مرکزی که توسط شخصیت های سیاسی واجتماعی اروپای غربی، ایالات متحده امریکا و یک تعداد دیگر از کشور ها سازمان داده شده بود وارد نیکاراگوا گردیده اند.

آنها توسط دهقانان مناطق سرحدی جنوبی نیکاراگوا به گرمی استقبال شدند.

فدریکو لوهز نماینده حکومت انقلابی نیکاراگوا قهرمانان صلح را خوش آمدید گفته و تاکید ورزید که فعالیت آنها نقش ارزنده رادر مبارزه علیه سیاست تجاوزگرانه و مداخله نظامی اداره ایالات متحده امریکا در امریکای مرکزی ایفاء می نمایند.

باختر

کمک ارتجاع آلمان غرب به آدمکشان

بگزارش تاس فرانس فوزف شتراوس این سرکرده ارتجاعی ترین محافل راست گرای آلمان غرب، رئیس‌حزب سوسیال مسیحی وصدراعظم ایالت باویریا، یکدسته ضد انقلابیون افغانستان را به سر کردگی برهان‌الدین ربانی این سر کرده قاتلان، در شهر مونشن پذیرفت.

سر کرده های اشرار که بکمک و هدایت سیا و دیگر سازمانهای جاسوسی غرب و همچنان رژیم های ارتجاعی جنگ اعلان ناشده را علیه مردم و حکومت قانونی جمهوری دموکراتیک افغانستان براه انداخته اند در گردهمایی اغواگرانه صندوق ارتجاعی موسوم به هانس زایدل وابسته به‌حزب سوسیال مسیحی که در مونشن دایر گردیده شرکت می ورزند.

باختر

دق الباب


ماما خبر دار صاحب صفحه تقدیم میکند

چکیدهٔ اندیشه‌ها

کسی که می کوشدسعادت دیگرا ن راتا مین‌کند . سعادت خود ش را هم تا مین کرد ه است .

«کنفو سیوس»

• • •

هیچکس نمیتوا ند کا ملا آزاد باشد مگرو قتیکه‌همه از آزاد ی برخورد ار گردندو هیچکس نمیتوا ند سعادتمند شود مگر اینکه همه‌سعاد تمند باشد .

«هر بر ت اسپنسر»

• • •

سلو ک و رفتا ر آئینه ای است که در آن آد می‌تصو یر خو یش را نشا ن می دهد.

«گویته»

• • •

آنچه می کنید شما رابهتر معر فی می کند تا آنچه مـی گو ئید .

«امرسن»

• • •

مطا لعه هما ن اثررا در فکر می گذارد که ور زش در بد ن .

«ریشارد استیل»

• • •

قوهٔ اراده و عزم در آدمی تنها در نتیجه بکا ر انداختن دایمی آن رشد و نمو می‌کند

«اسمایلز»

• • •

پاکـدامنی و شرف ، همیشه بر ثروت دنیا مقـدم است .

«علی بن ابی‌طالب»

• • •

اخلاق خوب ، با ارزش ترین دارایی انسانها ست .

«اسمایلز»




ماما خبر دار جدی است

راز طـول عمر

طـنـز

در باره آدم هاییکه نیم روز بالای خود و نیم روزبالای دیگران و شب بالای اهـل و عیال خود قهر هستند . حتماً چیز هایی شنیده اید . ایـن قسم آدم های عصبی بـه اصطلاح خودشا ن دیوا نه، مزاج ، در عصر ما شکـر فضل خدا تعداد شا ن کـم نیست . لطفاً به خود نخو رید منظور بند ه شما نیستید‌بلکه آدم هایی است که با ایـن کارخود نیمی از عمر خودرا میخورند و بعد ها هم باتمام چین جبین و اعصا ب خـراب مایه خنده مجالس و محافـل و «مضمون» خویش و اقا رب میگردند . درین را بطه یـك قصه بیادم آمدکه یکی ازخبر نگا ران در یکی از کشور هـا تحقیقی داشت به اینگو نه :

«یکی از روز ها به اتفا ق دوست خبرنگار م ر فتیم به شهر تا مطلبی در باره راز عمر دواز تهیه کنیم .دوستم نزد پیر مرد ها مراجعه کرد. وبا اولین پیر مردی که بـر خوردیم مرد هفتاد ساله یـی بود که در عمرش غیر شیر چیزی ننوشیده بود . نفـر دومی پیر مرد نودساله یی‌بود که می گفت در عمر خود هرگز لب بمشروب نـز ده است و همین طور افراد دیگر ی تا اینکه نزدیکی های شا م با پیر مرد لاغر اندا می کـه لباس شیك به تن داشت بر خوردیم که به عصا یی تکیه کرده و در کنار جاده‌ایستاده بود از اوپرسیدیم .

ـ ببخشید ممکن اسـت بگویید شما مشرو ب مـی نوشید ؟

ـ البته صبح سه گیلا س، چاشت یك بو طل و عصر ده تا دوازد ه گیلاس با کـمی غذای سبك و بالاخر ه هنگام استراحت کمی شا مپا ین با چند عدد سگر ت و باز هـم ویسکی واستراحت .

ـ واقعاً عجیب است ... و باین حال چند ساله‌هستید؟

ـ بیستو پنج ساله !»

همین قصه به‌ذهنم بود که درهنگام‌گذشتن ازپارك‌تفریحی با پیر مر دی که خسته‌ورنجور اما پرگپ و چست و چالاك در حالی‌که کو دکی را به بغـل داشت بر خوردم که در مقابل غرفه چیپس فرو شی مشغول تنظیم نمود ن مشتر یان د ر قطار بود تا هرکس به نوبت چیپس خودرا بگیرد . باانرژی عجیبی مساعی اش را به‌خرچ میداد اما نظم بر قرار نمی‌شد وپیر مرد بیچار ه که مو های سرش را نیز کمی از دست داده بود با دلخور ی وعصبا‌نیت و کمی هم ادای دشنا م های سبک و سنگین آ نها را ملامت میکرد وبالاخر ه متوجه شدم که خود او هم از جملـه مشتریا ن است . چون‌نوبتش آخر بوده به این تر تیـب جال میر فت تا اگر بتوانـد اولتر از همه و بدون نوبـت چیپس بگیرد ،امانشد بالاخره من‌که با کنجکاوی اعمـا لش وازیر نظر داشتم متو جـه شدم که با چیپس فـر و ش سر غالمغا ل راگذ اشت که کچالو راسیر چند می خر ی؟ چرا خوب بر یان نمی کنی ، روغن چه نو ع است ؟حرارت برق است یاتیل ؟ نر خنامه ات کجا ست ؟و غیره ... و سر انجام چیپس فرو شـ عصبانی تر شد و گفت :برو برادر چیپس فرو شـی نداریم .

«ازش پرسیدم : ببخشیـد شما در باره راز طو ل عمر تان و در باره اینکه اینقد ر باحوصله هستید اگر چیز ی بگویید ؟ میخوا ست چیز ی بگو ید که خانمش پیدا شدو مداخله کرده گفت :

ـ بیستو هفت سال عمر دارد . نیم روز با لای خـو د قهر است ،نیم روز بالای‌مردم وشب هم بالای من و کود ك دوساله اش . در میان تما م خویش و اقار ب و همکارا ن «مضمون» شده و به پا سـ «دیوانه مزاجی » اش مـورد ترحم همه است . اگر چه که دارای تحصیلات عالی و کار آبرو مندانه است .

م. مشیر


از البوم ماما خبر دار

● صحت از ریزش شدیـد وبعد جایش در دیگ .

● برگهای گلپی تار تار اند یاموی های پسرك خندان .



ازخوژجین مـامـا خـبـردار


ماما خبر دار می خندد

پاسخ برنارد شاو

شخص بذله گو یی بـه بر نا رد شاو گفت: شما آدم بزرگ زما ن ما هستید ،اما باتاسف یك عیب دارید .

ـ شا وگفت : چه عیبی؟

شخص بذله گو گفت :عیب تان این است که دا یم د ر جستجوی ما ل دنیا ی‌هستید

شاو گفت :پس‌تودرجستجوی چی هستی؟

شخص بذله گو گفت : من همواره در جستجو ی شر ف وفضیلت هستم.

شاو بلافا صله پا سخ‌داد: همه چیز حل شد ، هر کس به‌جستجو ی چیزی می با شد که‌ندارد !

موهای سر

اولی ـ بیادر !مو های‌سرتان چرا پاك سفید شده ، درحا‌لیکه ریش تا ن سیاه را غی است ؟

دومی ـ برای اینکه موهای ریشم به نسبت سرم بیست سال جوا نتر است .

پا سخ مقروض

شخصی برا ی مقرو ضش که سه سال از میعاد تا د یـه قر ض گذ شته بود ، گفت :

ـ برا در ! من نیم یو لم را برا یت می بخشم ، لطفا البا قی را بپرداز ید .

مقرو ض گفت : لطفا سه سا ل دیگر هم صبر کنید .تا و قت بخشش نیم دیگر آ ن نیز برسد .

وجود مبا ر ك شما

ثرو تمند و صا حب‌قرانی را حکا یت کنند که از سنگها و جوا هرا ت گرا نبها قبر ی برا یش سا خت . و قتی قبر سا خته شد از بنا پرسید :

ـ خو ب اکنو ن این قصر مجلل به چی چیز ی احتیا ج دارد .

بنا که شخصی ظر یفی‌بود گفت : بلی به و جود مبار ك شما .

خا ك میرداد

او لی ـ نا م من خا ك‌میر داد است .

د ومی ـ و نا م برا د ر تا ن ؟

او لی ـ نا م برا در م جان دا داست .

دو می ـ عجب است .وقتی نا م شما خا ك میر داد است از بر ادر تا ن با ید کلو خ‌جا ن داد می بود .

حـل مـعـمـای شـطـرنـج

رسا ند و مهر ه ها ی‌سیاه را پس از سه حرکت شکست میدهد.

حر کت او ل : اسپ سپید K:h5

کیش ، رخ R: h5

حر کت دو م : رخ R:g6

کیش ، شا ه

K: g6

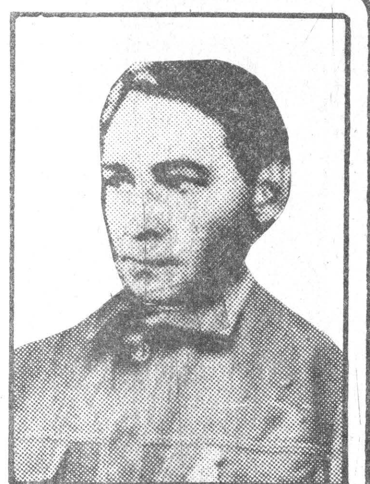
حر کت سوم : رخ R:e6

کیش و ما ت

در ((دق الباب)) چهارم دهم قو س ، مهر ه های‌سفید در حا لی‌که آ زیکی قرا ر دار ند . اما نو بت یار ی می

(قسمت نهم)

برای زنده ماندن



لحظه ها ی انتظا ر شتر لیتس و همه جها نیا ن فرارسید . ماند . نازی ها برای زنده ما ندن هما نند تبهکا را نی‌گـه در آستا نه‌سقو ط ایستاده باشند و به سا ن درنده ‌گا ن آخر ین دست و پارا میز نند .

ها نس گفت :

ـ ازین حا دثه نابه هنجار هیچ چیز ی دیگر ی نمـی فهمم هر بلسن . همیـن قدر که گفتم میدا نستم .

شتر لیتس آهسته گفت :

ـ اگر با صرا حت همـه چیز ها را برا یم بگو یید ، چقد ر خو ب خوا هد شد . را ستی و قتی سوا ل بـی پا سخ گذ اشته شود و یابه عو ض پا سخ دادن ، چیزهای دیگری مطر ح شود ، خلا ف آداب معا شرت نیست ؟

ـ شما را ست می گویید، این کا ر مود با نه نیسـت هر بلسن . به هر حا ل من از دروغ گفتن خیلی متنفر م و خا مو شی را بجا ی گفتن درو غ تر جیح میدهم .

ـ بیا با من در اتا ق‌خودتان برویم . گروین فوهرز (میو لر) برا یم دستو ر داد تاشب د رپهلو ی زینه ها بخوا بم ، و را ه زینه ها را مسد ود سا ز م . اگر اجاز ه بفر ما‌یید ، امشب د رهمین دراز چو کی می خوا بم . آیا مـی توا نم دراز چو کی را به نزد یکی زینه ببرم ؟

ـ نی، برای اینکه در منزل دو م تشنا ب نیست ، من حتماً شما را اذیت می کنم .

ـ پروا ندا رد ، هر چقد ر م بخوا هی د اذیتم کن . من زود به خواب میرو م .

ـ برا ی شما شا ید پروا ندا شته باشد ، اما من‌بدون لزو م از اذیت دیگر ان‌متنفرم پس بیا ، دراز چو کی را بر دار ، اما را ه زینه را بیخی مسدود نساز ی . کمی را ه بگذار تا من بی آن که شما را بیدا ر کنم به را حتی از آ ن پا یین برو م .

ـ اما اگر گرو پن فو هر ر مرا مو ظف ...

ـ رتبه تا ن چی است ؟

ـ خورد ضا بط .

ـ ومن ستندرد فوهرهستم.

تشوید ، چطور کنم امر است.

ـ ها نس عزیز ! لطفا تلفون رابه اینسو به من بد هید ، سیم درازا ست بفر مایید .

هانس بی حال و مبهوت به نظر میرسید ، در حالـی که دهنش را با دستش پنهان نمود ه فا ژه بلند ی کشید . تلفون‌رابه‌شترلیتس دادوپرسید:

ـ اجاز ه می فر ما یید ،نیم یك لحظه))

میو لر همین که گو شی‌را گر فت ، با صدا ی بلنـد خند ید . قاه قاه خند ه اش هنو ز هم بلند شد و گفت :

((خو ب همکار درست‌کار! منتظر با ش . و ضع برایتان بد تر خوا هد شد . اما این را خو ب بدا نید که مزا قك های‌کوچك نمی توانند قا عدتا شد و آهسته ، آهسته بـه تشناب رفت .

وقتی دو بار ه بر گشت ، ها نس در دراز چو کـی نشسته بود و با بی حا لـی چشم‌ها یش را ما لش میداد.

شتر لیتس گفت :

دراز بکشید .شما اکنو ن می توا نید استرا حت کنید . من هیچ چیزی را کار ندا رم . آرا م بخوا بید . ها نس با قیافه‌حیرت زده‌وآشفته گفت:

ـ نی . این خوب نیست . برا یم امر شده هر بلسن ، من خوب نیست ،

ـ چی حرف های میزنی‌بروا ندارد ، آرام بخواب .

ـ آخر ، من شبانه باصدای بسیار بلندخرویف می کنم .

ـ رقد ر دلت می خوا هد خرو پف بکن . من گو ش ها یم را با چیز ی می‌بندم . فکر می کنم در منزل با لااتاق خوا ب مر تبی و جو د دارد .

ها نس گفت :

ـ بلی صا حب . د ربالا اتاق خواب است .

ـ پس از بیست دقیقـه ها نس به خواب خو شی فرو رفت . شتر لیتس‌کمپل دیگر ی را بر ها نس همواً ر کرد ، و آهسته ، آهسته به گاراژ رفت . و قتی مو تر را از حو یلی بیرو ن کرد ، ها نس از جا یش برخا ست . و حیر ت زد ه به سو ی‌تلفون دو ید . نمبر میو لر را دایل کرد و بی در نگ با نگ زد.

ـصاحب ! رفت ، اورفت.

ی . سیمیا نو ف
تر جمه ا. آذری

هانس ادامه داد :

ـ من‌بحیث نگا هبان شما مو ظف شد ه ام ، البته معذ‌رت می خوا هم ، زیر ا مـر گرو پن فو هرر هستم .

ـ ظاهرا شما می خواهید‌مرا هار میو لر خطا ب نمایید ؟

ـ نخیر ، ها ر بلسن .شاید از خورد ضا بطی خوشتا ن نه آید که دستو ر قو ما ندا نش را نمی پذیرد . بهر صورت استه عا دا رم سرم قهـر نشو یید .

بیا له قهو ه دیگر بنوشم ؟

ـ البته چرا نی . آیـا دیشب خواب تا ن آرا م‌داشتی.

ـ بلی . و ظیفه دا شتم . زیادمانده شده‌بودم. هاربلسن پس از دا یل نمود ن‌نمبر تلفون شتر لیتس گفت :

ـ سلام ، شا م تا ن‌خوش. شتر لیتس شما را زحمت‌می دهد . می توا نم با رئیس تا ن صحبت نما یم .

شتر لیتس گفت : ((بلی ، به خیا نت بیا نجا مند .چطور، من ها نس را می خوا هم)) شتر لیتس گو شی را به‌هانس داد. ها نس به زود ی با او سر گر م‌ گفتگو شد . دوبار شا نه ها یش را با لاافگند و نگا ه ها ی معنا دار ی بـه شتر لیتس نمود ، انگار د ر سیما یش می خوا ند که میل دارد . گفتگو یش با میو لر زیاد تر به درازا کشید . شتر لیتس از جا یش بلنـد